



سرمقاله:

چند سکناس از جنبش اعتراضی

مسافران بدون بلیط از قطار پیاده می شوند!

۱- جنبش اعتراضی و بزعم بعضی ها جنبش سبز، در نه ماه گذشته علیرغم سرکوب همه جانبه ای که با آن مواجه بود، به حیات خود ادامه داده و راه کارهای متنوعی را برای تداوم حیات خویش بکار بسته است. احضارها و دستگیری ها گسترده، شکنجه، تجاوز، سرکوب، کشتارهای خیابانی، صدور احکام سنگین زندان، اعدام و ... هیچ کدام نتوانسته اند. مخالفین و معترضین را از خواست خود مبنی بر ابطال انتخابات، برگزاری انتخابات آزاد، مخالفت باحکومت ولی فقیه و نفی جمهوری اسلامی بازدارند. با گذشت زمان جنبش اعتراضی پخته تر، خواست هایش شفاف تر و در عین حال رادیکال تر می گردد. همچنین به لحاظ برقراری ارتباطات و عملکردی منسجم تر، در استفاده از امکانات کارآتر، در بکارگیری اشکال مبارزه متنوع تر و شعور سیاسی آن ژرف تر می شود. جنبش اعتراضی هر روز که از عمر آن می گذرد، با مسائل جدیدی روبرو و تجارب نوینی را بدست می آورد.

۲- وقتی حاکمیت حضور میلیونی معترضین در خیابان های تهران را دید، خیلی زود دریافت که برای مقابله با این سیل بنیان کن نمی تواند از راه کارهای دمکراتیک استفاده کند. با این استنباط رو به سرکوب عربان و گسترده آورد. برگزاری تجمعات اعتراضی را سرکوب و سازمان دهندگان آنرا دستگیر و تمامی راه ها برای ابراز اعتراض به شیوه های دمکراتیک را بروی مخالفین بست. متقابلاً مردم نیز با تمسک به تجارب سی ساله، در مقابله با سرکوب های سیاسی و محدودیت های مدنی از راهکارهای مناسبی، استفاده نمودند. وقتی برگزاری مراسم مستقل برای مخالفین پرهزینه شد، آنها استفاده ابزاری از تجمعات و مراسم دولتی را در دستور کار خود قرار دادند. همانطور که شاهد بودیم، کاربست این شیوه در روز قدس، ۱۳ آبان و عاشورا خیلی خوب جواب داد.

ادامه در صفحه ۲

بهاران خجسته باد!

سال نو فرا می رسد و صدای گام های بهاران سکوت دشت های سپید را در هم می شکند. دهها مادر و خانواده داغدار به سوگ عزیزان از دست داده خود نشسته اند. مبارزان و آزادی خواهانی که طی سال گذشته در اعتراضات خیابانی، شکنجه گاه ها و در برابر جوخه های اعدام، جان خود از بهر میهن و خلق خویش نثار نمودند. صدها خانواده و بسیاری کودکان در انتظار مادران و پدران شان سفره هفت سین بر آستانه زندان اوین و گوهردشت و ... خواهند گسترده. و صدها مبارز آزادی خواه که در زندان های جمهوری اسلامی و در زیر شکنجه های روحی و روانی چشم به راه بهار آزادی خلق و میهن خویش مقاومت می کنند.

در آستانه سال نو یاد یاران جان باخته جنبش اعتراضی میهنمان را گرمای می داریم، و با هم رزمان زندانی خود پیمان می بندیم که هم چون آنان تا آخرین دم برای آزادی و عدالت اجتماعی خواهیم رزمید. و اجازه نخواهیم داد پرچمی که پس از سی سال به دستان توانمند آنان برافراشته گشته، دگر باره از اهتزاز باز ماند.



نظری اجمالی به انقلاب بهمن ۵۷

انقلاب، رودخانه ی بزرگی را می ماند که جریانات مختلف و گوناگون اجتماعی با ایدئولوژی و خواسته های متفاوت بسان جویبارانی باریک بدان می پیوندند. گرایشات مختلف درکنار هم، و حتی درتقابل باهمدیگر به مبارزه می پردازند.

صفحه ۷

افزایش فشار بر کارگران و زحمتکشان و نیاز به همبستگی آنان با جنبش ضد استبدادی کنونی

در اوضاع حساس کنونی کارگران، هماتنگ و همگام با دانشجویان، زنان و زحمتکشان می توانند با مبارزه سازمان یافته خود، موجبات تقویت و استحکام جنبش ضد استبدادی را فراهم آورده و از این رهگذر مسیر دستیابی به خواست هایی چون احیای حقوق سندیکایی خود را هموار سازند.

صفحه ۸

اعتلای جنبش زنان در ۳۱ سال گذشته

حقایق تاریخی- اجتماعی نشان می دهد که طی ۳۱ سال گذشته تابوی مصلحت جویی و ترس که سال ها عامل تنظیم رابطه ی حاکمیت مذهبی و سنتی با شهروندان، بخصوص زنان بوده و جزئی از مناسبات نسبتاً پایدار اجتماعی بشمار می آمد. با ترویج آگاهی و شکوفایی اندیشه فرو ریخته است.

صفحه ۹

تأملاتی در مورد فرمان ولی فقیه دایر بر لغو اصل ۴۴ قانون اساسی

بشر مثل هر موجود زنده دیگر از آغاز پیدایش بر روی کره خاک، برای تأمین نیازمندیهای حیات خود به کار و فعالیت پرداخت. بشر بعنوان موجود ذیشعور، همیشه در آرزوی زندگی بهتر و کاهش زحمت و فشار برای تأمین مایحتاج زندگی و زندگی در رفاه و راحتی بوده و هست.

صفحه ۱۰

نقش قاضی محمد و حزب دمکرات کردستان ایران در تشکیل جمهوری خود مختار کردستان

دوم ماه بهمن (دوی ری به ندان) سال جاری، ۶۳ سال از تشکیل جمهوری خودمختار کردستان برهبری قاضی محمد گذشت. حکومتی که تجلی آرزوها و آمال دیرین خلق کرد بود، با عزم و اراده خلق کرد و فرزندان دلآورش، در یکی از دشوار ترین دوره های حیات بشری بنیاد نهاده شد.

صفحه ۱۱

در این شماره:

با احزاب و سازمانهای چپ
همراه با فدائیان در سالگرد ۱۹ بهمن
دعوت برای برگزار مراسم مشترک ۱۹ بهمن
قانونی شدن ازدواج مجدد برای مردان و ...
دوم اسفند روز جهانی زبان مادری را ...
از میان رویدادهای ایران و جهان
از میان رویدادهای ایران و جهان

صفحه ۳

صفحه ۵

صفحه ۶

صفحه ۱۲

صفحه ۱۲

صفحه ۱۳

صفحه ۱۵

ارتباط با ما:



Kar-dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

تر جنبش اعتراضی را تحت الشعاع قرار خواهند داد.

رفسنجانی از اولین مسافرائی است که خود را آماده پیاده شدن نموده، او همچنان منتظر اندک نرمشی از سوی رهبری است، تا با داشتن برگ جنبش سبز- نه جنبش اعتراضی- بعنوان ریش سفید و حکم وارد گود شود. تا بتواند نقش و موقعیت تضعیف شده خود و یارانش را در ساختار حاکمیت بهبود بخشد. اگر استر نظامیان حاکم چموشی نماید بزودی خبرهای داغی از رفسنجانی خواهیم شنید. بیانیه هفدهم میرحسین موسوی نشان از عقب نشینی وی داشت، او در این اعلامیه پرنرنگ تر از قبل با بخشی از جنبش اعتراضی که خواست های رادیکال تری را طرح می کنند، صف بندی کرد، ولی فقیه را از زیر ضرب خارج و التزام خود را به ولایت فقیه اعلام و عدم مشروعیت دولت احمدی نژاد را کنار گذاشت. بیانیه ۵ ماده ای کروی هم که ظاهراً از پی توافقی شفاهی و گرفتن وعده هایی صادر گردید، با روی ترش کردن رهبر، شیخ اصلاحات را در موقعیت بدتری قرار داد. خاتمی هم اعتراضات مردمی را با «غلط کردن» توصیف نمود. از آن سوی هم هیچ نشان جدی از نرمش رهبری و بر مسند نشستگان، در مورد اصلاح طلبان حکومتی دیده نمی شود. آنها با پیش گرفتن سیاست فرسایشی برای استحاله جنبش و رهبران معنوی آن، منتظر فرصتی مناسب برای وارد آوردن ضربه نهایی هستند.

تمامی شواهد حکایت از عقب نشینی رهبران اصلاحات و جنبش سبز در ترس از تعمیق خواست های جنبش اعتراضی و رادیکال تر شدن شعارهای معترضین، دارد. البته نایبستی فراموش کرد، اینان بیشتر از بلیط خود با قطار جنبش اعتراضی همراه شده اند و تا همین جا هم که آمده اند، دست مریزاد. البته برای اضافه مسیری که طی کرده اند بیشتر از تمایل و اراده شخصی شان، الزاماتی نقش داشته است که توسط دولت کودتا تحمیل گشته و آنان را به مواضعی ناخواسته سوق داده است. در این مرحله ما در پی آن نخواهیم بود که نیروی خود را صرف کوبیدن موسوی و کروی نماییم، بلکه تا جایی که می توانیم از توان و امکانات آنها و اصلاح طلبان حکومتی برای تعمیق شکاف در داخل حاکمیت و تضعیف توان حکومت بایستی بهره ببریم.

۶- جنبش اعتراضی مردم کشورمان برای نیل به اهداف خود راه درازی در پیش روی دارد. پیروزی نه بسادگی میسر است و نه بدون هزینه. برای نیروهای آزادی خواه و جمهوری خواهان دمکرات و بخصوص نخله های چپ راهی جز اتحاد و همبستگی باقی نمانده است. در برابر دشمن غدار، خون آشام و تا دندان مسلح، تنها چاره ما پیوند و همدلی ما برای همگانی کردن جنبش است. بدون وحدت و ایجاد رهبری جمعی و استفاده از خرد جمعی و حداکثر توان توده ها موفقیت ممکن نیست. برای شکل دهی اتحادی گسترده و دمکراتیک، چپ نمی تواند به شکل دهی و اتحاد گردان های خود بی توجه باشد. اتحاد چپ لازمه شکل گیری و دوام و پویایی یک اتحاد گسترده دمکراتیک می باشد. سازماندهی و ایجاد تشکیلات مناسب لازمه کاربست خرد جمعی است، که در جنبش اخیر بنود آن بخوبی حس می گردد. زمان را دریابیم، هم اینک نیز خیلی دیر شده است.

چپ حامی و مدافع منافع کارگران و زحمتکشان، و آزادی است. چپ نمی تواند بین عدالت اجتماعی و آزادی خود را مخیر به انتخاب یکی از آنها بنماید. چپ مدافع و چالش گر عدالت اجتماعی و آزادی بصورت توأمان است. از اینرو برای پیوند توده های کار و زحمت با جنبش اعتراضی بایستی خواست ها و شعارهای آنها در خواست ها و شعارهای جنبش اعتراضی گنجانده شود. بدون چنین رویکردی امکان جذب گسترده کارگران و زحمتکشان به جنبش اعتراضی وجود ندارد و در غیاب چنین نیروی عظیم و با انگیزه ای مطمئناً جنبش اعتراضی ناکام خواهد ماند.

چپ در مبارزه برای نفی ستم طبقاتی، همواره در راستای نفی ستم ملی هم مبارزه کرده است. برای نخستین بار چپ بود که در کشورمان مسئله ملی را طرح و خواهان رفع ستم ملی شد و از این بابت برخورد می بالد. بدیهی است امروز که مسئله ملیت ها بشکلی حاد در کشورمان طرح گردیده، چپ نمی تواند به این موضوع بی توجه باشد. بدون پیوستن نیروی عظیم ملیت ها به جنبش اعتراضی، این جنبش لنگ خواهد ماند و در صورت پیروزی و بی توجهی به این موضوع، زمینه های شکست جنبش را فراهم خواهد ساخت. طرح خواست های ملی در جنبش اعتراضی و همکاری با نیروهای هویت طلب و قومی و ملی از وظایف اصلی چپ در این مقطع بشمار می آید.

۳- در این مدت اتاق فکر دولت کودتا هم بیکار ننشسته و در پی یافتن راهکارهایی برای مقابله با ترفندهای مخالفین بود. حوادث ۲۲ بهمن نشان داد که سرمایه گذاری روی شیوه ای ثابت، همواره قرین موفقیت نخواهد بود. و چه بسا نتیجه عکس هم داشته باشد. حاکمیت از دعوت مخالفین برای شرکت در تظاهرات ۲۲ بهمن بیشتر از خود مخالفین سود برد. حوادث ۲۲ بهمن نشان داد که سیاست مخالفین و بخصوص طیف سبز در دعوت مردم برای شرکت به در تظاهرات همراه با سکوت و دادن شعار در میدان آزادی، دور از واقعیت و عدم شناخت توان حکومت بوده است. شاید امروز بتوان ادعا نمود، بهترین گزینه در ۲۲ بهمن همانا می توانست تحریم تظاهرات باشد. نبود رهبری منسجم و عدم سازماندهی اعتراضات مردمی، عدم استفاده از ظرفیت های موجود و بی توجهی به خرد جمعی، بزرگترین معضل جنبش اعتراضی مردم کشورمان است که در ۲۲ بهمن نتیجه زاینبار آن را شاهد بودیم. اگر به خرد جمعی مراجعه می شد شاید سخت نبود که دریابیم، رژیم تمامی امکاناتش را برای اینکه مظهر خود را بر تظاهرات ۲۲ بهمن نقش کند، بکار گرفته است. حکومت با استفاده از امکانات گسترده مادی، رسانه ای و لجستیکی که قابل مقایسه با توان و امکانات محدود مخالفین نیست. برگزاری مهندسی شده مراسم ۲۲ بهمن را تدارک دید و برنامه تکراری مخالفین را ناکام گذاشت. و عملاً مراسم آن روز را به نام خود ثبت و به نفع خویش مصادره و بنوعی تقلب انتخابات ۲۲ خرداد را در تظاهرات ۲۲ بهمن تکرار نمود. مخالفین هم اشتباه خود مبنی بر شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را تکرار کردند.

حکومت کودتا برای ایجاد رعب و وحشت در بین معترضین از برپایی چوبه های دار، صدور احکام سنگین زندان، گسیل طرفداران خود از شهرستانهای دور و نزدیک به تهران برای شرکت در تظاهرات دولتی، اعزام دهها هزار نفر عوامل سرکوب از اقصی نقاط کشور به پایتخت، دستگیری های گسترده در آستانه ۲۲ بهمن و همه و همه بدل هایی بود که رژیم ولایت فقیه برای مقابله با مخالفین و معترضین بکار بست. هرچند که آنها توانستند معترضین را در این روز کنترل و از حرکت جدی باز دارند. ولی شیوه های بکار گرفته چنان آشکار و عیان بود، که رسوائی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی را در انظار عمومی و جهانی موجب گشت.

با تمامی این اوصاف نایبستی از شیوه استفاده ابزاری کلاً قطع امید کرد. چرا که رژیم همواره و در تمامی مناسبت ها نمی تواند با اعزام دهها هزار نفر از شهرستانهای دور و نزدیک در خیابان های تهران حتی بصورت محدود هم که شده، خود نمایی کند. استفاده از آن شیوه هنوز موضوعیت خود را از دست نداده و متناسب با موقعیت ها بایستی بکار گرفته شود.

۴- موضوع مهمی که بایستی مورد توجه فعالین سیاسی قرار گیرد، بحران نهایی همه جانبه ای است که در بحبوحه اوج گیری جنبش اعتراضی کلیت نظام را دربر گرفته است. بطوریکه در طول حیات سی ساله جمهوری اسلامی، این رژیم در ابعادی چنین گسترده دچار بحران نگردیده بود. بحران های سیاسی، اقتصادی، هسته ای، بحران مشروعیت و حتی بحران هویت، حکومت ولایت فقیه را چنان مشغول خود ساخته، که توان حکومت کردن به سیاق گذشته را از آنان ستانده است. هر موضوع کوچکی به معضلی بزرگ برای رژیم تبدیل می شود. گره ای را که بسادگی می شد با دست باز کرد، با دندان هم نمی توانند باز کنند.

اعتراض و ناراضی مردم هر روز گسترده تر از قبل می شود و مشکل آنکه، ناراضی ها اینبار برخلاف گذشته در تظاهرات خیابانی شاپراز و نمود عینی می یابند. سرکوب اعتراضات خیابانی هزینه های سنگینی برای رژیم داشته و این رژیم دیگر قادر نیست همه روزه طرفداران خود را بسیج و برای مقابله و نمایش مشروعیت خویش به خیابان ها بکشد.

با اجرائی شدن قانون هدفمند کردن یارانه ها، احتمال داده می شود تورمی بیش از ۴۰ درصد، زندگی را بر اقشار فقیر جامعه، به کارگران و زحمتکشان، به کارمندان و معلمان سخت تر از قبل نماید. در این میان احتمال شکل گیری اعتراضات توده ای و شورش گرسنگان دور از ذهن نیست. نیروهای سیاسی و فعالین جنبش اعتراضی بایستی خود را برای چنین روزهایی آماده نمایند.

۵- همانطور که پیش بینی می شد تعدادی از مسافران قطار جنبش اعتراضی، با سرعت گیری آن یکی- یکی از قطار پیاده می شوند، در این بین مسافران جدیدی هم با آن همراه می گردند، همراه شدن توده های پایینی جامعه، با جنبش اعتراضی که پس از اجرائی شدن طرح هدفمند سازی یارانه ها بعید هم بنظر نمی رسد، انبوه مسافران تازه از راه رسیده با خواست های رادیکال

با احزاب و سازمان‌های چپ

خیزش ششم دی ماه کامی به پیش..

ایجاد، کمیت و کیفیت تظاهرات دیروز، ششم دیماه گام دیگری به پیش در جاده ای است که در صورت تلاش عناصر و گروه‌های پیشرو جنبش، سرانجام آن به سرنگونی دیو ارتجاع و استبداد و خودکامگی حاکم بر کشور ما منجر خواهد شد. بکوشیم سهم خود را در ارتقای سطح آگاهی، شعارها و مطالبات، و نیز کمک به سازمان‌های و رزمندگی جنبش ادا کنیم و با تبلیغ و ترویج برنامه و اهداف طبقه کارگر در عرصه خواست‌های دموکراتیک و سوسیالیستی، و با افشای آلت‌ناتیوهای ارتجاعی و تبلیغات سازشکاران و خودباختگان، از تکرار تجربیات تلخ گذشته جلوگیری کنیم.

کومه له زحمتکشان کردستان

گرامی باد خاطره ی قیام ۲۲ بهمن

در شرایط کنونی تلاش برای ایجاد یک هماهنگی عمومی میان جریان‌ها و گرایش‌ها مختلف سیاسی و ایجاد یک جبهه وسیع دمکراسیخواهی مبتنی بر موازین شناخته شده دمکراسی، باید در اولویت و صدر وظایف همه ما قرار گیرد. باید همه بکوشیم تا سکولاریسم و آزادیخواهی در جنبش کنونی و دفاع از منافع ستمدیدگان و تلاش برای عدالت اجتماعی را تقویت نماییم تا دامنه جنبش همه نقاط مختلف و به خصوص ملیتها و شهرها و مناطق حاشیه‌ای را نیز به خود در بر گیرد.

حزب دمکرات کردستان

گرامی باد شصت و چهارمین سالروز تأسیس جمهوری کردستان

امسال در شرایطی یاد و خاطره‌ی تأسیس جمهوری کردستان را گرامی می‌داریم که خوشبختانه با مبارزات آزادیخواهانیه مردم روشتر از کلیه مقاطع گذشته است. جنبش سراسری علیه حاکمیت دیکتاتور و مستبد جمهوری اسلامی، که هدیر سالی است سر برآورده‌است، در پی کودتای شوم خامنه‌ای - احمدی نژاد در پی انتخابات ریاست جمهوری بهمرحله‌ی نوینی پای نهادهاست. قیامی که در ابتدا با شعار "رای ما کجاست؟" آغاز شد، با مرور زمان عمق و وسعت فزونی یافته و به مرحله‌ی رسیدن به کشته‌ها و خواسته‌های نیروهای پیشرو جامعه، دانشجویان، روشنفکران، جوانان و زنان و بطور کلی همه‌ی آزادیخواهان بالاترین سطوح حاکمیت جمهوری اسلامی را هدف گرفته‌اند.

کمیته ی مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر):

سوء قصد به جان منصور اسانلو را محکوم میکنیم!

روز دوشنبه ۳ اسفند، منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در هوا خوری بند ۴ زندان گوهردشت کرج هنگامی که با دو زندانی دیگر در حال صحبت بود با تیزی از پشت مورد حمله قرار گرفت که با هشیاری زندانیان و واکنش بموقع از خطر جدی نجات یافت.

در چنین شرایطی، سوء قصد به جان منصور اسانلو و دستگیری فعالین جنبش خیابانی و جنبش‌های اجتماعی متنوع و اقدام اخیر حکومت برای لغو صلاحیت ۳۶ تن از وکلا برای کاندیداتوری در انتخابات هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز، بیش از پیش نشان میدهد که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه شکنجه و اعدام، کانون داغ جنبش آزادیخواهان مردم ایران است. در داخل کشور با تجمع حول مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی و در خارج کشور با جلب حمایت نهادهای حقوق بشر و تشکل‌ها و اتحادیه‌های کارکنان رشته‌های مختلف تولیدی و خدمات و جنبش‌های جدید اجتماعی، این عرصه از مبارزه را باید فعالانه حفظ و گسترش داد.

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در باره ی اوضاع سیاسی کنونی و مختصات آن

در شرایطی که جنبش اعتراضی هر روز رادیکال تر و منسجم تر میشود و قلعه‌های دستگاه ولایت و ستون‌های اصلی حاکمیت اسلامی را نشانه رفته است، تلاش برای گسترش قاعده و

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تکذیب اتهامات معاون وزیر اطلاعات

معاون وزارت اطلاعات در مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کرده است که: "تعداد نسبتاً زیادی از چریک‌های فدائی اکثریت و اقلیت و هواداران چپ‌های نو در حوادث روز عاشورا دستگیر شده‌اند. این افراد تحت عناوینی چون مادران صلح، جمعیت مادران عزادار و غیره با هم همکاری داشتند و در تجمع ظهر عاشورا نیز به صورت شبکه‌ای مصاحبه با رسانه‌ها شرکت کرده‌اند که بیش از ۳۰ نفر از آن‌ها دستگیر شده‌اند."

نسبت دادن "مادران صلح" و "جمعیت مادران عزادار" به سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون اتهامی بیش نیست. "مادران صلح" و "جمعیت مادران عزادار" تشکلهای مستقلی هستند که به ابتکار فعالین اجتماعی به مثابه سازمان غیردولتی تشکیل شده‌اند و به هیچ سازمان سیاسی وابسته نیستند.

ما اتهام وابستگی "مادران صلح" و "جمعیت مادران عزادار" به سازمان ما را تکذیب می‌کنیم.

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بیانیه اعتراضی

ما ضمن اعلام اعتراض شدید خود به ستاد برگزاری جشن بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از مسئولین آن پاسخ صریح این سؤال را خواستاریم: با علم بر اینکه؛ باورهای آقای نگهدار، هیچگونه شاهد و قرابتی با سوسیالیسم علمی ندارد و ایشان اعتقادات، آمال و آرمانهای بنیانگذاران جنبش فدائی را مردود می‌شمارند، چرا و به چه دلیلی، در چنین لحظات حساسی از زندگی جنبش فدائی و در شرایط گسترش مبارزات اعتراضی - انقلابی مردم ایران، وی را به مراسم رسمی سازمان... (اکثریت) دعوت کرده‌اند؟ ما، در عین حال، در مورد عواقب سیاستها و اعمال ضد کمونیستی - ضد فدائی آقای نگهدار، به خود وی نیز هشدار داده و اصرار ایشان برای ادامه عضویت در ارگانها رهبری و حضور در مراسم رسمی سازمان را برغم انتقادات و اتهامات وارده، نه فقط ناشی از دیدگاه و نوع نگرش ایشان به مسائل مختلف، بلکه، به مثابه مأموریت برای نابودی کامل بقایای سازمان... (اکثریت) ارزیابی می‌کنیم.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

بر خلاف تصورات مصلحت‌اندیشانی که از "تند شدن شعارها" و "بالا رفتن سطح مطالبات" بیمناک شده‌اند، توده‌های مردم در جریان مبارزات قبلی و جاری خود به تجربه دریافته‌اند که رژیم حاکم به سهولت به خواسته‌های حق طلبانه‌شان تن نمی‌دهد، مگر آن که "خطر" از دست رفتن کنترل اوضاع را احساس کند و یا در سرانجام سقوط قطعی قرار بگردد. بدیهی است که در تنظیم و تعیین شعارهای واحد و متمرکز جنبش مرکب و متنوع موجود، افزودن بر خواسته‌های مشترک شرکت‌کنندگان، ملاحظات مربوط به جلب نیروهای بیشتر به جنبش و متقابلاً ریزش افزون‌تر در قوای دشمن را در مد نظر قرار می‌دهند. اما این موضوعی است که به مسئله تأمین حد معینی از هماهنگی و همکاری در میان نیروها و گرایشهای درون جنبش جهت تضمین تداوم و گسترش آن ارتباط می‌یابد.

حزب توده ایران

تشدید فشار بر زندانیان سیاسی و دگراندیشان

از مدتی قبل دستگاه‌های امنیتی رژیم ولایت فقیه بر ابعاد فشارهای خود بر دگراندیشان افزوده‌اند، زندانیان دهه شصت، خانواده و بازماندگان شهدای فاجعه ملی و اعدام‌های دهه شصت، مادران صلح، مادران عزادار، فعالان کارزار یک میلیون امضاء و فعالان سندیکاهای کارگری و روزنامه‌نگاران و نویسندگان مستقل تحت پیگرد شدید و تهدید دائمی قرار گرفته‌اند. حزب توده ایران ضمن حمایت قاطع از بیانیه مادران عزادار برای آزادی خانم پروانه مداح راد، خواستار برپایی و سازماندهی یک کارزار گسترده بین‌المللی و داخلی برای نجات جان زندانیان سیاسی است.



کانون نویسندگان ایران

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران

درباره‌ی ادامه بازداشت رضا خندان (مه‌بادی)

از دستگیری رضا خندان (مه‌بادی)، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، بیش از دو هفته می‌گذرد، و هنوز خانواده‌ی او هیچ گونه اطلاعی از وضعیت و دلیل دستگیری‌اش ندارند. کوشش

وکلای او نیز برای ملاقات با موکل خود، و امضا و اعلان رسمی وکالت وی که از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی هر بازداشتی به شمار می‌رود تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

چنین وضعی موجب نگرانی روزافزون خانواده‌ی او، تمامی اعضای کانون نویسندگان ایران، جامعه‌ی اهل قلم و همه‌ی آزادی‌خواهان است. ما بازداشت رضا خندان (مه‌بادی) و محرومیت او را از حق دفاع، که طبیعی‌ترین حقوق شهروندی است، محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی بی‌قید و شرط این هم‌قلم آزاده‌ی خود و همه‌ی زندانیان سیاسی دیگر هستیم.

کانون نویسندگان ایران
۸۸/۱۲/۴

بیانیه‌ی "زنان دیگر"

پیش به سوی تشکیل جبهه ائتلافی زنان چپ

زنان ایران اینک بزرگداشت روز جهانی زن را در شرایط حساسی برگزار می‌کنند. تحولات اجتماعی ماه‌های اخیر، رشد و تعمیق جنبش آزادی‌خواهانه مردم از یک سو و کشتار، شکنجه، تجاوز و انواع برخوردهای سرکوبگرانه رژیم از سوی دیگر، این روز را به نقطه عطفی در مبارزات زنان ایران بدل کرده است.

تجربه تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که زنان به رغم حضور گسترده در مبارزات اجتماعی همواره به حاشیه رانده شده و خواسته‌های آنان در نظر گرفته نشده است. اکنون نیز به رغم حضور فعال، چشمگیر و تعیین کننده زنان، فضای مردسالارانه حاکم بر جنبش نسبت به تبعیض جنسیتی و مطالبات زنان بی‌تفاوت است. از این رو ما به عنوان بخشی از جنبش زنان، در سالگرد روز جهانی زن، ضمن مرزبندی با هرگونه حرکت رفرمیستی در حفظ ساختار موجود و تأکید بر اینکه رهایی نهایی زنان در جامعه‌ی بدون سلطه و سرمایه متحقق خواهد شد، خواسته‌های حداقلی خود را طرح کرده و از زنان ایران می‌خواهیم با هدف پیشبرد این مطالبات حداقلی اقدام به تشکیل جبهه‌ی ائتلافی نمایند. اعضای این جبهه ابتدا می‌توانند با تأکید و تبلیغ این مطالبات با هم همبستگی و همکاری اقدام به برنامه ریزی برای متحقق شدن این خواسته‌ها بکنند.

الف: جدایی دین از حکومت و استقرار جامعه‌ی دموکراتیک و عاری از هرگونه تبعیض و نابرابری جنسیتی، اقتصادی، مذهبی، قومی، ملی و ... که ضامن حقوق زنان به شرح زیر باشد:

الف: الغای قوانین زن ستیز در اجتماع، خانواده، تحصیل، ورزش و ...
ب: به رسمیت شناختن حق زنان بر بدنشان از جمله: الغای حجاب اجباری، تامین آزادی پوشش و آزادی سقط جنین

ج: مبارزه با باورها، فرهنگ و سنت‌های زن ستیز در رسانه‌ها، مراکز آموزشی، اجتماع، محل کار، خانواده و ...

د: دستمزد مساوی برای زنان در مقابل کار برابر و ایجاد فرصت‌های شغلی یکسان با مردان

د: آزادی بیان، اندیشه، رسانه، شکل، تجمع و تظاهرات

ه: آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو اعدام، سنگسار، قصاص و هرنوع شکنجه

و: ریشه کن کردن فقر، فحشا، اعتیاد و ...

ی: محاکمه آمرین و عاملین جنایات سه دهه گذشته و تامین حقوق و مطالبات بازماندگان

جنایت‌ها

ز: ...

زنانی دیگر

بهمن ۱۳۸۸

دامنه‌ی جنبش، پیوند خواست‌های عمومی - سیاسی با خواست‌های مطالباتی - طبقاتی، تقویت شبکه‌ی ارتباطی توده‌ای در محیط‌های کار و زندگی، تأکید بر ضرورت سازمانیابی اقشار گوناگونی مردمی به همراه تلاش برای تهیه‌ی پلاتفرم‌هایی که بیان خواست‌های واقعی و آتی جنبش انقلابی مردمی باشد و شکل دهی به اتحادها و ائتلاف‌های نیروهای چپ و سوسیالیستی که آمال و آرزوهای واقعی مردم را بیان می‌کنند، باید در دستور کار قرارگیرد.

شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران

بیانیه به مناسبت سال روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

جنبش نوین مردم که هشت ماه پیش با تلنگر تقلب در انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۸۸ آغاز شد تا کنون دو مرحله را پشت سر گذاشته است. در مرحله‌ی اول جنبش موجودیت خود را اعلام داشت. مرحله‌ی دوم، مرحله‌ی تثبیت بود. جنبش در این مرحله به حاکمان ثابت کرد و به مردم جهان نشان داد که حاکمان اسلامی برغم فشار، تهدید، زندان، شکنجه، تجاوز جنسی، اعدام و کشتار نتوانسته‌اند و نخواهند توانست جنبش مردم را برای استقلال، آزادی، عدالت، حرمت انسانی و مردم‌سالاری در هم شکنند یا حتی آن را تضعیف کنند. این جنبش هر روز از روز پیش تواناتر شده و بخش‌های بیش‌تری از مردم را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر با هر فعالیت و اقدامی ماهیت اصلاح‌ناپذیر نظام اسلامی را حتا برای قشرهای عقبمانده‌تر جامعه آشکارتر می‌سازد.

چریک‌های فدائی خلق ایران

رادیکالیزه شدن جنبش و "غلط" کردن‌های اصلاح طلبان!

همانطور که از همه سخنان و برخوردهای اخیر هر دو جناح رقیب، یعنی دارو دسته‌های درونی طبقه حاکم آشکار است، آنها همگی در جهت غلبه بر "بحران" در حال گسترش برای نجات کشتی سوراخ شده جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده و مذبوحانه تلاش می‌کنند. واقعیت این است که آنچه که همه این جنایتکاران را به وحشت انداخته و باعث شده این "دو برادر دینی"، برای "کدورت زدائی" جهت "وحدت کلمه" تلاش کنند، همانا تداوم رو برشد خیزش اخیر و به ویژه نشان داده شدن قدرت توده‌ها در روز ۶ دی ماه می‌باشد.

سازمان فدائیان (اقلیت)

نمایش قدرت توده‌ها و استیصال رژیم

امروز پنجشنبه ۲۲ بهمن، خیابان هاومیادین اصلی درنقاط مرکزی تهران، یکباردیگر به مکان درگیری و رودروئی مردم وجوانان شجاع با نیروهای مزدور و سرکوبگر رژیم تبدیل گردید. به رغم تمام اقدامات سرکوب گرانه رژیم، تظاهرات خیابانی واقدمات پرشور امروز مردم، بار دیگر بر این واقعیت صحنه گذاشت که اولاً؛ وحشی‌گریهای رژیم و تشدیدکشتار و سرکوب، هیچ تأثیری درارباب توده‌های مردم به جان آمده ندارد. ثانیاً، جنبش اعتراضی توده‌ای درروز ۲۲ بهمن، آن هم در تحت شرایطی که رژیم تمام توان وامکانات خودرابرای جلوگیری ازآن بسیج کرده بود، استیصال، درمادگی و ناتوانی رژیم در برابر جنبش توده‌ای را به طرزبارز و قاطعی به نمایش گذاشت.

حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست)

به یاد کارگر مبارز یدالله خسرو شاهی

با کمال تأسف با خبر شدیم که یدالله خسرو شاهی فعال جنبش کارگری به دلیل سکتته مغزی در لندن درگذشت.

باشد تا نسل جوانی که امروزه پا به میدان مبارزه گذاشته از میراث مبارزاتی که یدالله از خود بر جای گذاشته بهره مند شود.

باشد تا روحیه مبارزاتی‌اش، پشتکاری و خستگی ناپذیری‌اش در دفاع از منافع کارگران فراگیر شود.

بی شک در صحنه‌های گوناگون مبارزه کارگران و تمامی ستم‌دیدگان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه‌ای عاری از ستم و استعمار، خاطرات پر شور یدالله خسرو شاهی از اعتصاب قهرمانانه نفتگران در انقلاب ۵۷ همچون ترانه‌ای در میان مردم ترنم خواهد شد.

همراه با فدائیان در سالگرد ۱۹ بهمن

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نوزده بهمن، سی و نهمین زادروز جنبش فدائی زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

مانند هر سال، گرامیداشت ۱۹ بهمن با یادبود انقلاب بهمن ۱۳۵۷ همراه است، یادبودی که امسال آوردگاه جنبش اعتراضی مردم ایران از یک سو و حکومت کودتا از سوی دیگر است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، شایسته ترین گرامیداشت زادروز جنبش فدایی را در پشتیبانی و مشارکت در جنبش اعتراضی مردم ایران، در تلاش برای نزدیک کردن صفوف رهروان این جنبش به هم و در رساندن صدای حق طلبانه مردم ایران به جهانیان می‌داند. امروز، حکامی نام فدائی را در پیوند با جنبش اعتراضی مردم ایران بر زبان می‌آورند که تا دیروز مدعی نابودی جنبش ما بودند. بدین حکام باید گفت این اعتراف شما، چیزی نیست جز پی بردن بدانچه بشر در طول تاریخ هزاران ساله خود، بسیار تجربه کرده است، و آن اینکه اگر زمان تحقق اندیشه‌ای فرا رسیده باشد، هیچ نیروئی را برای بازداشتن آن نیست. امروز در ایران، زمان تحقق آزادی، آرمان دیرین فدائیان فرا رسیده است. جوانانی که امروز در خیابان‌ها آزادی را فریاد می‌کنند، با جنبش فدایی آرمانی مشترک دارند و نه پیوند تشکیلاتی. آرمانهای مطابق با نیاز تاریخی، راه خود را می‌گشایند. و استبداد حاکم بر ایران را چاره‌ای جز تسلیم بدین حکم تاریخ نیست.

فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انقلاب، آرمان فدائیان خلق!

ما، در ۳۹- مین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائی و ۳۱- مین سالگرد پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن، همه نیروهای آزادیخواه، عدالت طلب و ترقیخواه کشورمان، قبل از همه، همه اعضای خانواده فدائی را به اتحاد فراخوانده، اقدام رفقای وابسته به خانواده بزرگ فدائی داخل کشور در صدور اعلامیه برای برگزاری مشترک ۳۹- مین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائی را گامی ارزشمند می‌شماریم و اطمینان داریم که با استمرار چنین اقداماتی و برقراری روابط و مناسبات رفیقانه، می‌توان با تکیه بر مشترکات، مسائل نظری و عملی مورد اختلاف را در پروسه بحث و گفتگوهای توضیحی و اقناعی حل و به اتحاد مجدد اعضای وفادار جنبش فدائی موفق شد. اتحاد اعضای جنبش فدائی می‌تواند پایه‌ای برای اتحاد بزرگ همه نیروهای ملی و میهنی باشد.

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

۱۹ بهمن سمبل پویایی جنبش کمونیستی ایران

رفقای فدایی در ۱۹ بهمن ۳۹ راهی را گشودند که تا به امروز صدها تن با صلابت و افتخار در آن جان فدا کردند و خواهند کرد. ما با افتخار خود را رهرو راه جان باختگان فدایی میدانیم و با تمام توان میکوشیم در تمامی عرصه‌های پیکار در میان توده‌ها و پیشاپیش آنها پرچمدار آرمان والای کارگران و زحمتکشان باشیم و سعیت و زندان و شکنجه و اعدام رژیمهای شاه و شیخ نتوانسته و نخواهد توانست خللی در اراده کمونیستی فدایی ایجاد کند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

به مناسبت سالروز قیام ۲۲ بهمن و حماسه سیاهکل

سازمان ما که اکنون وارد سی و نهمین سال حیات خویش می‌شود، همواره مدافع منافع طبقه کارگر، و از موضع این طبقه، مدافع منافع عموم توده‌های زحمتکش و ستم دیده بوده است و در تمام طول این سال‌ها با استواری و پیگیری در راه آزادی و سوسیالیسم پیکار نموده است، هم چنان همراه با توده‌های کارگر و زحمتکش برای تحقق این آرمان‌ها و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی به مبارزه‌ی خود ادامه می‌دهد. سازمان فداییان (اقلیت)، در سالگرد قیام سیاهکل، کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و عموم توده‌های مردم ایران را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی فرا می‌خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

و در همبستگی با قیام مردم ایران

”آن که می‌گفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند.“

در سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، در سی و یکمین سالگرد انقلاب بهمن و در شرایطی که جنبش اجتماعی مردم ایران و قیام رنگین کمان بیشماران در ۸ ماه گذشته عمق و وسعت کم نظیری یافته است، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همه زنان و مردانی که طی ماههای گذشته با خیزشهای حماسی، پایه‌های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه‌ای را به لرزه درآورده‌اند و با فریاد ”مرگ بر دیکتاتور“، ”مرگ بر خامنه‌ای“ اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفته‌اند درود می‌فرستد. جنبش اجتماعی و قیامهای چند ماه گذشته برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی‌گوییهای فضل‌فروشانه، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می‌کردند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی و یا خودفریبی به هیچ می‌گرفتند، نشان داد که نه جمهوری اسلامی ظرفیت تحول‌پذیری از درون خود را دارد و نه مردم ایران به لاف و گرافهای کسانی که از سرحقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی جامعه توجه ندارند، اهمیت می‌دهند.

چریکهای فدائی خلق ایران

گرامی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن!

سیاهکل پاسخ به یک ضرورت تاریخی بود! و درست به همین دلیل موجب یک راهگشای چشمگیر در جنبش انقلابی و بر حق توده‌های تحت ستم شد.

اکنون با وجود آن که قریب به چهار دهه از حماسه سیاهکل و آغاز یک دوره نوین در مبارزات حق طلبانه مردم ما می‌گذرد، جوهر و اساس تحلیل‌های رزمندگان سیاهکل همچنان منبع لایزالی از تجارب و آموزش‌های انقلابی برای امروز ماست.

در سی و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل یاد ۱۵ چریک فدائی خلق، ۱۵ رزمنده کمونیست سیاهکل را گرامی داریم و بکوشیم تا با آموختن از روح آموزش‌های آنان و تجارب تاریخی، در پی‌مودن مسیر نابودی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با تمام دار و دسته‌های ضدانقلابی در جنبش کنونی و رسیدن به آزادی و دموکراسی با تمام قوا یای رسانیم.



سی و نهمین
سالگرد
حماسه
قهرمانانه
سیاهکل

در پیشواز ۳۹مین سالگرد تولد جنبش فدایی دعوت برای برگزاری مراسم مشترک ۹ بهمن

۱۹ بهمن فرا می رسد. ۳۹ سال از تولد جنبش فدائی، از آن واقعه ی تاریخی که در حیات سیاسی شورمان حادثه ای شگرف، و در تاریخ جنبش چپ میهن مان نقطه ی عطفی محسوب می گردد، گذشت. بدون شک پدیده جنبش فدائی با توجه به شرایط سیاسی کشورمان در ۴-۵ دهه پیش، و با در نظر داشتن فضای انقلابی حاکم بر جهان و سمت گیری غالب جنبش های رهایی بخش در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، ضرورتی اجتناب ناپذیر بود.

جنبش فدائی بخاطر مشخصه های بارز خود، از جمله صداقت، استقلال، شور انقلابی و پویایی کمونیستی، در سال های قبل از انقلاب خیلی سریع توانست در بین روشنفکران انقلابی جامعه، برای خود جا باز کرده و صاحب جایگاهی شود. همانگونه که شاهد بودیم، جنبش فدایی با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ به جنبشی فراگیر و توده ای فرا روئید. جنبشی که سراسر کشورمان را در نوردید و به اندک مدتی در تمامی شهرها و روستاها، در کارخانه و مزارع، در مدارس و دانشگاه ها، در ادارات و ... تأثیر خود را بجای گذاشت. قدرت و توان سازمان گری فداییان موجب گردید، از این جنبش بعنوان یکی از نیروهای مؤثر و تعیین کننده، در معادلات سیاسی نام برده شود.

متأسفانه سیر تحولات، همراه با عواملی متعدد دست به دست هم داد، تا این روند رو به گسترش، متوقف و سیر نزولی پیش گیرد. در مدتی کوتاه آن نیروی میلیونی به چند نام و شمار متعددی تشکیلات ضعیف و غیر مؤثر خلاصه گردید. هرچندکه نام و اعتبار فداییان از حافظه ی تاریخی مردم کشورمان زردونی نیست و این جنبش، با شراره های زیر خاکسترش دارای پتانسیلی فراوان برای افروختن آتشی شکوهمند است. متأسفانه رفتار و عملکرد تمامی طیف های فدائی با درجاتی متفاوت، در خلاف راستای آن خاستگاه مردمی و توان توده ای است. تنش هائی پایان ناپذیر، سازمان های فدائی را در بر گرفته و چند سازمانی که نام فدائی را یدک می کنند و خود را میراث دار منحصر بفرد فداییان بشمار می آورند، در آن موقعیتی نیستند که بتوانند مسؤلیتی چنین سنگین را به تنهائی بر دوش گرفته و به سر منزل مقصود برسانند. تشتتی چنین البته صرفاً مختص جنبش فداییان و سازمان ها و طیف های فدائی نیست. جنبش چپ کشورمان بشکلی عمومی از این عارضه در رنج است. انشعاب اخیر در سازمان راه کارگر، نشان از جان سختی و ویروس تشتت دارد. اگر پاره ای از انشعابات در جریانات چپ را اجتناب ناپذیر بدانیم، اکثر آنها نامعقول و غیر منطقی بوده است.

درموقعیت کنونی کشورمان که بسی خطیری می نماید، اتحاد نیروهای چپ ضرورتی انکار ناپذیر و عاجل بشمار می آید. اگر نیروهای چپ در این آوردگاه اجتماعی نتوانند به سرعت متحد گشته و از تمامی توان خود در پیکار توأمان علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم استفاده نمایند، دور نیست مجدداً حکومتی از جنس حاکمیت برآمده از کنفرانس گوادلوپ را بصورتی رنگین و در

پوستی مخملین برای چند دهه دیگر بر مردم کشورمان تحمیل شده ببینند. مطمئناً بار دیگر نیروهای چپ و دمکراتیک کشورمان از این نمد کلاهی نصیب شان نخواهد شد. اگر صادقانه در پی اجتناب از چنین سرنوشت محتومی هستیم، پس سریعاً حول مشترکات فراوان خود متحد شویم، بی آنکه بخوایم اختلافات و تفاوت های خود را سرپوشی نهاده، و یا نادیده بگیریم. این تفاوت ها و اختلافات بخشی انکار ناپذیر از واقعیت امروزین جنبش چپ کشورمان می باشد، و احتمالاً سالیان سال هم دوام خواهد یافت. ولی چنین اختلافاتی نه در آن حدی است که مشترکات ما را تحت الشعاع قرار دهد، و نه براسات که در چنین موقعیت خطیری به تعمیق اختلافات موجود دامن زنییم.

با توجه به اینکه جنبش فدائی یکی از ارکان و ستون های اصلی جنبش چپ کشورمان بشمار می آید، اتحاد و همکاری طیف های فدائی می تواند تأثیری بسزا و تعیین کننده در شکل گیری اتحاد چپ کشورمان بجای گذارد. از اینرو ما هواداران طیف های مختلف فدائی، در نخستین گام تمامی سازمان های فدائی را فرا می خوانیم، جشن تولد جنبش فداییان را در داخل و خارج از کشور بصورت مشترک برگزار نمایند. برگزاری این جشن مشترک، در ۳۹مین سالگرد حماسه سیاهکل، می تواند مقدمه و تمرینی برای گرمی داشت هرچه باشکوه تر ۴۰مین سال تولد جنبش فداییان، در ۱۹ بهمن سال ۱۳۸۹ و بزرگداشت چهاردهم مبارزه و از خودگذشتگی فداییان خلق باشد. جشنی که شایسته است، بشکلی گسترده و در شان و نام فداییان خلق برگزار گردد.

برگزاری جشن مشترک بزرگداشت ۴۰مین سالگرد ۱۹ بهمن، هرچند گامی در راستای مبارزه مشترک فداییان خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم و تشکیل جبهه چپ کشورمان، خواهد بود. ولی نایستی آنرا تلاشی هرچند ناچیز برای نادیده گرفتن تفاوت ها و اختلافات موجود طیف های گوناگون فداییان خلق و دیگرسازمان ها و احزاب چپ کشورمان استنباط نمود. فداییان خلق با هر پسوندی همچنان حق دارند نظرات و عملکرد دیگر جریانات فدایی را به نقد کشیده و با آن مبارزه نمایند.

برای برگزاری هرچه باشکوه تر آغاز پنجمین دهه حیات جنبش فدائی، یکسال آینده را صرف سازماندهی مبارزه مشترک برای اعتلای جنبش دمکراسی خواهی و عدالت طلبی، و مبارزه علیه استبداد و امپریالیسم جهانی سازیم.

هواداران داخل کشور:

چریک های فدائی خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

سازمان فدائیان - اقلیت

سازمان فدائیان خلق ایران - پیروان بیانیه ۱۶ آذر

۱۳۸۸/۱۱/۱۳

توضیح نشریه کار داخل کشور

نشریه کار ضمن استقبال از اقدام مبتکرانه رفقای هوادار سازمان های فدائی ما نیز معتقدیم، امروزه هیچ یک از طیف های جنبش فدایی از چنان موقعیتی برخوردار نیستند که بتوانند به تنهائی مسؤلیت خطیر راهبری این جنبش انقلابی را بر دوش کنند و به سر منزل مقصود برسانند. تشتت، پراکندگی، بدگمانی، سکتاریسم، ایدئولوژی زدایی، آشتی طبقاتی و عارضه های این چنینی، تراوشات بلاواسطه تفکر چپ روی کودکانه و اندیشه های نئولیبرالی حاکم بر طیف های مشخصی از فداییان هستند که ناتوانی هر یک از سازمانهای منسوب به این جنبش را در راهبری جنبش و تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی کشور تشدید می کنند.

ما نیز معتقدیم، در موقعیت حساس کنونی کشورمان، وحدت عمل نیروهای چپ و بویژه اتحاد طیف های مختلف جنبش فدایی بر بستر اشتراکات سیاسی و برنامه ای قابل قبول، به ضرورتی انکار ناپذیر و عاجل مبدل شده است. در این آوردگاه اجتماعی اگر نیروهای چپ و بویژه طیف های مختلف جنبش فدایی نتوانند به همکاری عملی در صحنه سیاسی کشور اقدام کرده و از تمامی توان خود در پیکار توأمان علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم استفاده نمایند، در انجام وظیفه خطیر و تاریخی خود کوتاهی کرده اند.

ما نیز معتقدیم، زمینه های تاریخی، سازمانی، فکری و

ما نیز معتقدیم، جنبش فدایی علیرغم تمام ضعف های اشاره شده، همچنان رکن تعیین کننده جنبش چپ کشورمان بشمار می آید؛ اتحاد و همکاری طیف های فدائی می تواند تأثیری بسزا و تعیین کننده در شکل گیری اتحاد چپ کشورمان بجای گذارد.

نشریه کار داخل کشور بعنوان بخش کوچکی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت همگام با این رفقا و در راستای همکاری عملی فداییان خلق در مبارزه توأمان علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم، تمامی اعضا و هواداران سازمان های فدائی را فرا می خواند، تا برای برگزاری جشن مشترک ۴۰مین سال تولد جنبش فداییان، و بزرگداشت چهاردهم مبارزه و از خودگذشتگی فداییان خلق در داخل و خارج کشور در ۱۹ بهمن سال ۱۳۸۹، گام پیش نهند. و آماده است تمامی توان خویش را برای برگزاری جشنی گسترده، فراگیر، شایسته و درخور نام فداییان خلق بکار گیرد.

ما نیز ضمن گرامیداشت سالروز حماسه سیاهکل و ۳۰مین سالروز تولد جنبش فداییان خلق ایران، دست تمامی رفقای فدایی و چپ را در راستای مبارزه مشترک فداییان خلق و نیروهای چپ علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم و تشکیل جبهه چپ کشورمان می فشاریم و به هر حرکت و اقدام وحدت بخش نیروهای چپ و بویژه فداییان خلق به دیده تحسین و احترام می نگریم.

روانی این وحدت عمل سیاسی و برنامه ای تا حصول به وحدت سازمانی در بین بیشترین بخش طیف های فدایی وجود دارد. در این راستا، بی آنکه بخوایم اختلافات فکری موجود را نادیده بگیریم، با سیاست تأکید بر مشترکات و دوری از تعمیق اختلافات، می توانیم بر تشتت و پراکندگی فکری و سازمانی موجود در درون جنبش فدایی غلبه نماییم.



نظری اجمالی به انقلاب بهمن ۵۷

انقلاب، رودخانه ی بزرگی را می ماند که جریانات مختلف و گوناگون اجتماعی با ایدئولوژی و خواسته های متفاوت بسان جویبارانی باریک بدان می پیوندند. گرایشات مختلف درکنار هم، و حتی درتقابل باهمدیگر به مبارزه می پردازند، از همین رو خصلت اساسی و زیربنایی یک دگرگونی، صرفاً برپایه شرکت نیروهای اجتماعی مختلف باخواسته های متفاوت قابل توضیح است. با این توصیف، هرچند امکان شباهت دو انقلاب در دو اقلیم جغرافیایی متفاوت محتمل می باشد، ولی این شباهت حتماً به نتیجه ای واحد منتهی نخواهد شد. چرا که نتیجه هر انقلابی با محور شدن انقلاب ازطرف نیروهای اجتماعی غالب و در تلفیق خواسته های آن نیروها با خصوصیت طبقاتی و فرهنگی اش آشکار می گردد. ممکن است رهبری انقلاب، برخلاف روند انقلاب به دست ارتجاعی ترین نیروهای اجتماعی که در تقابل با پیشرفت اجتماعی عمل می کند، بیافتد. نیرویی که خواسته های غیردمکراتیک خود را به نحوی از انحاء به جامعه و افکار عمومی تزریق می کند. حادثه ای نامیمون که در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایران رخ داد. رویدادی که انگلس از آن به عنوان "انقلابات ارتجاعی در تاریخ" نام می برد. ضروری است یادآوری کنیم، هر انقلابی حتماً ترقی خواهانه خواهد بود و همواره احتمال وقوع انقلاب ارتجاعی وجود داشته و دارد. امری که بطور عمده ارتباط مستقیم با نیروهای شکل دهنده انقلاب، مناسبات اقتصادی حاکم و ایدئولوژی غالب دارد.

ادامه شرایط سیاسی - اقتصادی سالهای ۵۰، انقلاب ایران را اجتناب ناپذیر ساخته بود. انقلابی که استقلال(حکومت مردمی)، آزادی و عدالت اجتماعی آماج های اساسی آن محسوب می گردید. ولی فقدان نیروی سیاسی منسجم و دمکراتیک، و در نقطه مقابل وجود روحانیت متشکل در مساجد و حوزه های علمیه، همراه با تصمیم کشورهای امپریالیستی برای انتقال قدرت به روحانیون و ارتش، جهت مقابله با چپ و نیروهای انقلابی و ایجاد کمربند سبز به دور شوروی، تحولات اجتماعی ایران را از مسیر خود منحرف و به قهقرا راهنمون گردید.

در فاصله زمانی یکساله بین شروع قیام در زمستان سال ۵۶ و پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ و پس از آن، همه روزه شاهد عقب نشینی خواسته های دمکراتیک بخصوص آزادی های سیاسی و فردی به نفع افکار واپسگرایانه و خواست های منبعث از آن بوده ایم. عجب تر آنکه در این اثنا رهبری انقلاب بشکلی غیر قابل قبول مارک "ضدامپریالیستی" خورد. نامی بی مسماء، و البته صوری و فورمالیته، که هیچ سختی با واقعیت های موجود نداشت. نخست آنکه خاستگاه طبقاتی نیروهای ارتجاعی حاکم در تعارض با این صفت عاریتی قرار داشت. این نیروها، ضدانقلابی و ضدمردمی بودن شان را در هر حرکتی طی سی و یک سال گذشته ثابت کرده اند. قدرت حاکم با سوء استفاده از این صفت عاریتی و با ایجاد توهم در بین توده ها نخست نیروهای چپ را خلع سلاح و حتی بخشی از آنها را فریفت، و نهایتاً با اعمال هژمونی ایدئولوژیک اش توانست موقعیت خود را تحکیم بخشد.

زدن مارک ضد انقلابی به جریانات دمکرات و عدالت خواه، به احزاب و سازمان های مترقی و مردمی و انتساب آنها به امپریالیسم و صهیونیسم، به سیاست رایج جریان حاکم فراروئید. رژیم به این پنهان دهها حزب و سازمان را منحل و تحت پیگرد قانونی قرار داد. دهها هزار نفر را روانه زندانها و شکنجه گاهها و هزاران نفر را به جوخه های اعدام سپرد. اخراج های وسیع در سطوح گسترده دانشگاهی و اداری و کارخانجات، سانسور و توقیف، فله ای نشریات و ممانعت از انتشار کتب علمی و فلسفی و ادبی و تاریخی، تفتیش عقاید، عملکردهای فرا قانونی نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی و شبه نظامی، دست آورد حاکمیت ایدئولوژی خانمان سوز و ضدبشری حاکم مبدل گشت. ایدئولوژی سیاسی انقلاب اسلامی، و طیف سیاسی پیروز را تنها می توان با حاکمیت ضد انسانی و ضد انقلابی کلیسا در قرون وسطی و ایدئولوژی حاکم آن نظام مقایسه کرد. چرا که تمامی عمل کردهای آن علیه خرد اجتماعی، علیه روشنگری و علیه دمکراتیسم و به لحاظ تاریخی و مضمون به ضدانقلاب تعلق دارد.

با نظری خوشبینانه، سمت گیری اکثر قریب به اتفاق انقلاب ها، بسوی آینده، مدرنیسم و شروع حیات جدید بوده است، اما انقلاب اسلامی ایران با مسائل بر مبنای "مدینه النبی"، و جامعه راعی و رعیت یک هزار و چهارصد سال پیش شبه جزیره سوزان عربستان برخورد نمود. بر اساس همین طرز تفکر عقب مانده است که رهبریت نظام حاکم رابطه خود با شهروندان را به شکل شبان و گله تعریف نموده و با این اندیشه واپسگرایانه به جدال دنیای مدرن برخاسته است. تمامی اصطلاحاتی که طی دو قرن اخیر، در حرکت های مردم ایران رنگ و بوی دمکراتیک داشت، با انقلاب اسلامی همه آنها رنگ باخت و خواسته های دمکراتیک بدست حاکمیت فقها مصلوب گشت. باز این ولایت فقیه بود که در سی و یک سال گذشته بر مصلحت رمه - شهروندان - حکم رانده است.

چرا انقلاب سال ۱۳۵۷ از مسیر خواسته های دمکراتیک مردم منحرف گردید؟ چرا این انقلاب اینچنین اثراتی سوء و مخرب از خود بجای گذاشت؟ و چرا نیروهای لائیک و دمکراتیک نتوانستند تاثیر لازم را در این عرصه بجای بگذارند؟ شاید از بین عوامل مؤثر، فریب خوردن روشنفکران و احزاب و تشکل های سیاسی نکته مشترکی باشد که اکثر پژوهش های مرتبط با انقلاب ایران روی آن انگشت گذاشته اند. بدیهی است فریفتن مردمی غیر متشکل و با دانش سیاسی پایین کار مشکلی نمی باشد. حتی امروز هم باتمام ادعاها و امکانات، نمی توان بدون رهبری و تشکل های سیاسی به کاری بنیادین دست یازید. فهم

اینکه چرا رژیم جمهوری اسلامی در این مدت سعی در ممانعت از شکل گیری احزاب سیاسی و تشکل های مردمی داشته و از نزدیکی و اتحاد نیروهای اپوزیسیون جلوگیری کرده است، به نبوغ و قدرت تحلیلی زیادی ندارد. با تمسک به همین سیاست بود که جمهوری اسلامی توانست است این سی و یک سال را با تمامی بحران ها و درگیری هایش پشت سر بگذارد.

عامل اصلی در شکل گیری و تثبیت حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی تنها خاستگاه طبقاتی و ایدئولوژیک نیروهای حاکم نبود. در این میان پناه بردن نیروهای دمکراتیک به زیر پرچم ایدئولوژی حاکم و درهم آمیزی جنبش مردمی با نیروهای متحجر مذهبی و تلاش نامیسر برای پیوند اصلاح طلبی مدرن با سیستم ولایت فقیه، چنان ضربه مهلکی را بر پیکر جریان دمکراتیک وارد آورده و توده ها را در ابعاد میلیونی متوهم ساخته که برای سالیان سال نتایج زبانبار آن را همچنان شاهد خواهیم بود. در ناممکن بودن این امر تنها کافی است به رفتار اصلاح طلبان حکومتی که سردمدار تفکر پیوند بین دمکراسی خواهی با نظام ولایت فقیه، پیوند بین مدرنیته با سنت گرایی ارتجاعی بودند، اشاره کنیم. اصلاح طلبانی که در پی کسب خواسته های خود در چارچوب قانون اساسی بودند. با تمام ادعاهای دمکراتیک شان چون پای امتحان جدی به میدان آمد، فوراً عقب نشستند. آنها در حالی که خود تحت ضرب بودند نتوانستند تنفر و بیزاری شان را از شعارهای رادیکال و مردمی پنهان سازند.

فراموش نکنیم که رژیم جمهوری اسلامی هم از جنس تمامی رژیم های طبقاتی و ارتجاعی است. نامگذاری "انقلاب اسلامی" هم یکی از جلوه های منحوس فساد طبقاتی و ایدئولوژیک حاکم بر جامعه ماست. دین بعنوان مقوله ای اجتماعی کاربری خاص خود را داشته، در این مورد بخصوص هم بعنوان پدیده ای کاملاً سنت محور و در تقابل تجدطلبی و مدرنیسم و برای توجیه منافع طبقاتی عده ای بنیادگرا مورد استفاده قرار گرفته است. تلاش روشنفکران دینی برای پیوند مدرنیته با ایدئولوژی مذهبی امر ناموجهی است که بخاطر تناقضات بنیادین ره بجایی نخواهد برد. چرا که ایدئولوژی مذهبی جهان هستی را ایستا و غیرقابل تغییر می خواهد، در حالی که مدرنیته بشر را مسئول و حاکم برسرنوشت خویش می داند. و هر انسانی حق تعیین سرنوشت خویش را داراست، بر این اساس مدرنیته با طرد ایدئولوژی های حاکم در جوامع پیشامدرنیته، ضمن آنکه رشد پروسه دمکراسی خواهی را در جامعه منعکس می کند، مروج جدی جدایی دین و مذهب از دولت (سکولاریسم) نیز می باشد. به لحاظ تاریخی ما شاهد رابطه پیچیده ی مدرنیته، دمکراسی و سکولاریسم، با فراز نشیب هایش در جهان امروز هستیم. این سه پدیده در ارتباط با یکدیگر و بصورتی پیچیده در حرکت و تکامل است. روندی که زوال سرمایه داری را در پی دارد. اختلاف بنیادگرایان با تجدطلبان، اختلافی بنیادین و اشتی ناپذیر است. تصور توافقی بین این دو بعید و غیر ممکن می نماید. چرا که بنیان حرکت تجدطلبی بر محور علم و بطور نمونه فیزیک، شیمی، ریاضیات و ... از برای ارتقاء معرفت بشری و دانش افزایی وی در جهت دستیابی به مسائل فراروی بشردر راستای ایجاد تسهیلات زندگی مادی و روزمره انسانی است. اما بنیادگرایی اساس کارش بر محور فقه و متافیزیک قرار داشته و هرگونه تبعات و اختلاف نظریه های سایر علوم را به مصداق شرک و خیانت به بشر تلقی می نماید.

در جوامع طبقاتی، تضاد اصلی بر سر منافع طبقات است، تضادی که به طرق مختلف در برپایی پدیده انقلاب حرکت می نماید. انقلابی که در کشور ما بوجود آمد و متأسفانه همسوی چپالگران و ستمگران جهانی شد، نباید ما را متحیر و مهیوت گرداند. بلکه لازم است هوشمندانه روند حرکتی آن را پی گیری نماییم. طبیعی است که همسویی این جریان با سرمایه داری جهانی غارتگر زیر لوای دین امری بدیهی است. چرا که برای پیشبرد اهداف سرمایه طرفندهای زیادی بکار بسته می شود که یکی از آنها هم، رنگ و بوی مذهبی دادن به مسائل سیاسی است. در سه دهه گذشته شاهد بودیم که دکانداران دین برای از میدان بدر کردن نیروهای لائیک از چه ترفندهایی استفاده نمودند. و چگونه زمینه را برای استبداد، سلطه طبقاتی، دیکتاتوری و سرکوب برای طول سالیان متمادی مهیا ساختند و زمینه موفقیت خمینی را فراهم نمودند. و برای سلطه این رهبر مذهبی شعار "همه بامن" را حقنه کردن انقلاب کردند. تا تحت لوای این شعار انحرافی زمینه را برای سرکوب تمامی نیروهای دمکرات، چپ و مترقی فراهم سازند.

رژیم بنیادگرایی جمهوری اسلامی همواره در راستای امیال و خواسته های امپریالیسم جهانی بخصوص آمریکا رفتار کرده است. آنها نیز مانند نوحماحفظه کاران جهان را بین "خودی ها و غیرخودی ها" تقسیم می نمایند. از طرفی دیگر ایدئولوگ های سرمایه جهانی تمایل فراوانی به بنیادگرایان و عمل کردهای آنان و برای تقویت آنها تلاش می کنند. سرمایه داری فراملیتی برای اجرای سیاست های نولیبرالیستی، بنیادگرایان را شریکی بلامنازع در فعالیت بازار و چپاول بورژوازی بومی وابسته و ثروتمندان تازه به دوران رسیده و میوه چینان پروژه جهانی سازی در کشورهای جهان سوم دانسته، و از اسلام سیاسی بهره برده و متقابلاً از آن حمایت می کنند. نهایت آنکه بنیادگرایی و در این مورد بخصوص بنیادگرایی اسلامی اساساً پدیده ای ارتجاعی بوده و نمی تواند نقشی سازنده در حرکت رهایی بخش مردم جهان نقش سازنده ای بازی کند.

افزایش فشار بر کارگران و زحمتکشان و نیاز به همبستگی آنان با جنبش ضد استبدادی کنونی

در اوضاع حساس کنونی کارگران، همهانگ و همگام با دانشجویان، زنان و زحمتکشان می‌توانند با مبارزه سازمان یافته خود، موجبات تقویت و استحکام جنبش ضد استبدادی را فراهم آورده و از این رهگذر مسیر دستیابی به خواست‌هایی چون احیای حقوق سندیکایی خود را هموار سازند. بحران همه جانبه‌ای که میهن ما را پس از کودتای انتخاباتی فرا گرفته، به مرحله‌ای حساس رسیده است. دولت برآمده از کودتا با هدایت مستقیم ولی فقیه، با اعمال خشونت و وحشی‌گری توصیف‌ناپذیر و انجام مانورهای گوناگون در صدد مهار و سرکوب جنبش اعتراضی است و تلاش دارد با توسل به سرکوب و حذف نیروها و جناح‌های منتقد و مخالف کودتا، موقعیت خود را تحکیم بخشد. این برنامه تاکنون در پرتو مبارزه دلیرانه مردم ناکام مانده است. برکسی پوشیده نیست که دولت احمدی نژاد در خدمت به منافع کلان سرمایه داری خصوصاً لایه‌های انگلی و غیرمولد و ارگان‌های نظامی-امنیتی و انتظامی، اقتصاد ملی، بخش تولید و به همراه آن منافع وسیع‌ترین طبقات و قشرهای اجتماعی را نادیده و پایمال کرده است. حقوق و منافع طبقه کارگر به شکل گسترده‌ی مورد تعرض و دستبرد قرار گرفته، و علاوه بر آن، برنامه‌های دولت ضد مردمی احمدی نژاد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا به امروز اثرات و نتایج فاجعه‌باری برای زحمتکشان به بار آورده است.

چندی پیش رسانه‌های همگانی اعلام داشتند که، در چهار سال گذشته تعداد شاغلان پارس جنوبی (عسلویه) بعنوان یکی از مراکز صنعتی مهم کشور، از ۶۰ هزار نفر به ۸ هزار نفر کاهش یافته است. خبرگزاری ایلنا در ۹ دی ماه گزارش داد: «در ۴ سال قبل بیش از ۶۰ هزار کارگر در عسلویه کار می‌کردند امروزه حدود ۸ هزار نفر کارگر در عسلویه (پارس جنوبی) کار می‌کنند. که این امر نشان دهنده تعطیلی واحدها و بحران صنایع در این بخش عظیم صنعتی کشور است. هنگامی که محمد جهرمی، وزیر کار دولت اول احمدی نژاد، عسلویه را منطقه آزاد تجاری اعلام کرد، کارگران این منطقه از شمولیت قانون کار خارج شده و ده‌ها هزار کارگر عسلویه که تابع قانون کار و تامین اجتماعی بودند به یک باره تابع قانون «آنچه کارفرما می‌خواهد» شدند. آقایان که مدعی بودند با محروم کردن کارگران از قوانین



حمایتی و تأمین نمودن امنیت سرمایه، کارفرمایان به استخدام کارگران راغب خواهند شد. امروز شاهد آن هستیم که علیرغم حذف قوانین حمایتی از نیروی کار به یکباره ۵۲ هزار کارگر اخراج میشوند. تا چهار سال پیش این منطقه نه تنها بازار خوبی برای نیروهای بومی و محلی-کارگران استان‌های جنوبی کشور بود، بلکه موجبات جذب و اشتغال کارگران سراسر کشور و حتی کارگران خارجی را نیز فراهم ساخته بود. اما امروز عسلویه تعطیل است و به بیماری درحال احتضار را می‌ماند!

اثرات مخرب برنامه‌های دولت کودتا تها در عسلویه مشاهده نمی‌گردد. به هر گوشه و کناری که نظری افکنده شود، شاهد و ناظر نابودی امنیت شغلی کارگران، سقوط سطح زندگی آنها و فقر و تیره‌روزی زحمتکشان و خانواده‌هایشان خواهیم بود. بر اساس تازه‌ترین اعلام مرکز آمار ایران، ۴۷ میلیون ایرانی در فقر به سر می‌برند. بر اساس اظهارات رییس مرکز آمار ایران: «درآمد خانواده شش نفری در خوشه یک، کمتر از ۴۷۳ هزار تومان است. خانوار شش نفره‌ای که درآمدش بین ۴۷۳ هزار تومان تا ۷۸۸ هزار تومان است در خوشه دو قرار می‌گیرد. در خوشه نخست حدود ۳۰ میلیون نفر قرار دارند. در خوشه دوم هم ۱۷ میلیون و ششصد هزار نفر قرار دارند.»

این اقدامات ضد کارگری و ضد منافع زحمتکشان میهن ما در حالی رخ می‌دهد که دولت احمدی نژاد در راستای خدمت به سپاه پاسداران و شرکت‌های این نهاد نظامی-امنیتی، طرح صدور مجوز دولتی به شرکت‌های خدمات نیروی انسانی، یا بهتر گفته باشیم، شرکت‌های دلال که واسطه استخدام کارگران هستند، را اجرایی کرد. چنین شرکت‌هایی که عمدتاً نیز توسط مدیران وزارتخانه‌های مختلف و نیروهای وابسته به حاکمیت اداره می‌شوند- یا بطور

غیر مستقیم هدایت می‌شوند) به بالای جان میلیون‌ها کارگر تبدیل گردیده‌اند. بطور مثال، این شرکت‌ها «سرقفلی» استخدام در مراکز مهم صنعتی کشور، مانند ذوب آهن، فولاد مبارکه، کارخانه‌های سیمان، پالایشگاه‌ها و مانند اینها را در اختیار دارند و از عوامل اصلی رواج قراردادهای موقت به شمار می‌آیند. خبرگزاری ایلنا، ۲۷ آذر ماه، با انتشار گزارشی درخصوص چگونگی فعالیت این شرکت‌ها نوشت: «پیمانکاران تأمین نیروی انسانی به صورت آشکار در حق کارگران ظلم می‌کنند. اسناد و مدارک بسیاری از تزییع حقوق کارگران در شرکت‌های پیمانکار داریم که می‌تواند پیمانکار را محکوم کرده و کارگر را به حش برساند اما متأسفانه گوش شنوایی برای ادای حق مظلوم وجود ندارد و دولت برنامه صدور مجوز دولتی برای این شرکت‌ها را عملی ساخته است.»

شرکت‌های پیمانکار تأمین نیروی کار، کارگران را وادار می‌کنند قبل از آغاز کار و در همان روز و ساعت اول استخدام برگ تسویه حساب را امضاء کنند. کارگر زیر فشار مجبور است رسید ۳۰۰ هزار تومانی را به عنوان حقوق امضاء کند ولی ماهیانه فقط ۱۵۰ هزار تومان حقوق بگیرد. به جای ۸ ساعت، ۱۲ ساعت کار انجام می‌شود و ده‌ها مورد دیگر که دولت به آنها بی‌توجه است. علاوه بر این، وزیر کار دولت کودتا در مصاحبه‌ای با ایسنا، ۲۰ آذر ماه، اعلام داشت: «به نظر ما قانون کار به شکل مطلوبی اصلاح شده و می‌شود. اصلاح قانون کار موجب کاهش بی‌نظمی کارگران شده و به رشد واحدها و مؤسسات یاری می‌رساند.» درست از همین زاویه و از این مدخل است که برنامه مقررات زدایی و اجرای ابلاغیه اصل ۴۴ توسط دولت پیگیری می‌شود.

در ماه‌های اخیر شاهد نمونه‌های زیادی از مبارزات پراکنده کارگران و زحمتکشان بر ضد سیاست‌های ضد کارگری رژیم و همچنین تجاوز سرمایه داری حاکم بر ضد حقوق زحمتکشان بوده‌ایم. این مبارزات به دلیل عدم سازمان یافتگی لازم نتوانسته است نتایج لازم را به دنبال داشته باشد. از طرفی دیگر بحثی در میان فعالان و کارگران پیشرو مطرح است، که مبارزات جنبش کارگری زمانی می‌تواند ثمربخش و توأم با موفقیت باشد که در پیوند تنگاتنگ با مبارزه جاری مردم علیه کودتای انتخاباتی قرار بگیرد. ادامه فعالیت دولت احمدی نژاد معنایی جز نابودی منافع آبی و آبی کارگران و زحمتکشان ندارد و به همین علت می‌باید گام‌های اساسی

و سنجیده به سوی تحکیم پیوند و رابطه با جنبش سراسری ضد استبدادی برداشته شود. نباید فراموش کنیم دولت احمدی نژاد یعنی دولت برآمده از کودتا، به لحاظ گرایش

سیاسی و طبقاتی، ادامه دهنده راه کسانی است که در ابتدای انقلاب با حمایت از قانون کار موسوم به قانون کار توکلی، برای طبقه کارگر ایران هیچ ارزشی قابل نبودند و با عنوان، «رعایت اصل اسلامی توافق و تراضی در انجام هر عقد شرعی» منافع و حقوق زحمتکشان را هدف قرار داده بودند. امروز با تغییر شرایط، دولت احمدی نژاد مأمور انجام همان وظیفه است، و موثرترین راه برای مقابله و به شکست کشاندن آن تقویت همه جانبه و جدی جنبش اعتراضی کنونی است!

کارگران و زحمتکشان و فعالان جنبش سندیکایی به خوبی آگاهند که، اگر خواستار مبارزه با اصلاح قانون کار، توقف خصوصی سازی، لغو قراردادهای موقت و احیای حقوق سندیکایی هستند، این آماج‌ها بدون پیوند تنگاتنگ و خلاق با جنبش دمکراتیک و آزادی خواهانه کنونی، صورت تحقق نخواهد یافت. به بیان دیگر، تأمین خواست‌ها و حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پیوند تنگاتنگی با تحقق خواست‌های جنبش ضد استبدادی کشورمان در لحظه حاضر دارد.

حضور و مشارکت زحمتکشان در مبارزه با استبداد و بی‌عدالتی حاکم، مبارزه و حضوری کاملاً آگاهانه و مبتنی بر منافع طبقاتی حال و آینده آنان است. در اوضاع حساس کنونی کارگران، همهانگ و همگام با مبارزه دلیرانه دانشجویان، زنان و زحمتکشان می‌توانند با مبارزه سازمان یافته خود، موجبات تقویت و استحکام جنبش ضد استبدادی را فراهم آورده و از این رهگذر مسیر دستیابی به خواست‌هایی چون احیای حقوق سندیکایی خود را هموار سازند! حضور موثر و تاثیر گذار جنبش کارگری ضامن تداوم مبارزه برضد ارتجاع و استبداد و تحقق مطالبات مردم میهن ماست!

از مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری حمایت کنیم

اعتلای جنبش زنان در ۳۱ سال گذشته

حقایق تاریخی - اجتماعی نشان می دهد که طی ۳۱ سال گذشته تابوی مصلحت جویی و ترس که سال ها عامل تنظیم رابطه ی حاکمیت مذهبی و سنتی با شهروندان، بخصوص زنان بوده و جزئی از مناسبات نسبتاً پایدار اجتماعی بشمار می آمد. با ترویج آگاهی و شکوفایی اندیشه فرو ریخته است. چنین فرآیندی زنان را قادر ساخته با تبیین شرایط امروزین در راستای آرمان های اجتماعی، بیانی آزادانه در جهت ارتقای اعتبار اجتماعی و قانونیت بخشیدن به اساسی ترین آرمان های بشری پی گیرانه و پرتلاش مبارزه کرده و در حفظ و تداوم و تعمیق این مبارزه که حاکمیت سنتی - دینی اسلامی با خشن ترین و غیر انسانی ترین شیوه ها سعی بر سرکوب آن دارد تلاش ورزند. زنان کشورمان توانستند بر بستر سیاسی مناسب و بر اساس خواسته های گوناگون و متنوع اجتماعی و سیاسی فارغ از هر گونه ساختارها و اصول فکری حاکم، نسبت به وقایع پر آشوب و در برابر سختی های اجتماعی واکنش نشان دهند. زنان با شناخت از حقوق خویش و با آگاهی بر عنصر اصلی که حاکمیت دینی جمهوری اسلامی است، حاکمیتی که استبداد و دیکتاتوری و بی قانونی در قوانین خود نوشته، سرکوب بیان آزاد عقاید، نقض آشکار حقوق بشر و ... را مبنای مناسبات خود با شهروندان قرار داده، در عرصه های اجتماعی ثابت کردند که توان آن را دارند از چهارچوب قرارداد های رایج فراتر رفته و در تمامی پدیده های اجتماعی و سیاسی فرهنگی با عبور از نگرش های فرهنگی جامعه مردسالار و تعصبات دینی و جنسیتی بر علیه استبداد سیاسی و قدرت سیاسی حاکم، برای مناسباتی انسانی، دمکراتیک و سکولار مبارزه کنند.

روند تحولات اجتماعی و سیاسی نشان داد که زنان کشورمان علیرغم همه محدودیت ها و محرومیت ها و مشکلات تاریخی که سنت و مذهب بر ذهن و افکار مردم تحمیل نموده، منفعل، سرکوب و تحقیر شده، و ناتوان و عقب مانده نیستند. درست در نقطه مقابل ایدئولوژی حاکم، که زن را نصف آدمی و مرد را مالک زن، زن را محروم از حقوق انسانی و در نابرابری با مرد می داند. تفکری متحجر که تنها برای زن نقش مادری و همسری قائل است، زنان کشورمان نشان دادند که انسانهایی پویا، آگاه و خلاق با تمایلاتی جدی و با نگاهی فراجنسیتی هستند، که فارغ از جنسیت، توانایی لازم برای انجام فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و ساختن دنیایی بهتر را دارا هستند.

در این میان زنان جوامع شهری کشورمان با تمامی کاستی ها و نداشتن تجربه لازم در مبارزه سیاسی و اجتماعی، باکنده شدن از مناسبات اجتماعی سنتی و مذهبی و در تضاد با فرهنگ آن مناسبات، با عبور از دولت محوری، با مسئولیت پذیری و مشارکت طلبی، برای بازنگری در حقوق سیاسی و مدنی زنان و اصلاح قوانین موجود، برای استقرار حقوق بشر و دمکراسی، و بر علیه استبداد و دیکتاتوری پیگیرانه و توانمند عمل می کنند.

هر چند در جوامعی نظیر کشور ما مردان نیز با مشکلات عدیده ای مواجه ند، اما در مقایسه با مردان فشار بیشتری بر زنان وارد می گردد. در چنین شرایطی محدودیت های شدیدی بر زنان اعمال شده و نقش زنان در سیاست و اجتماع نادیده گرفته می شود. افکاری که بین زن و مرد دیوار کشیده و از هم اندیشی این دو عنصر اصلی اجتماع جلوگیری می نماید، محدودیت های اجتماعی و فرهنگی بیشتری را بر زنان تحمیل کرده و زنان را تابع و مطیع و بی هیچ استقلالیتهای (فردی، فکری، مالی و ...) وابسته به مرد و زیر دست به بار می آورد. این



زنان به عنوان نیروی فعال و وزنه ای اجتماعی مملو از قدرت ناشناخته، هم رزم مردان در مبارزه برای آزادی و برعلیه دیکتاتوری الهام بخش حرکتی شجاعانه ای بودندند، که جدا از مسئولیت پذیری اجتماعی و سیاسی شان برای رفع قید و بندها و موانعی که حاکمیت اسلامی ایجاد کرده است، نمی باشد. زنان نباید در بکارگیری جنبه های مختلف مبارزه تملل ورزند، آنان با بکارگیری تمامی روشهای مبارزاتی، با تحلیل شرایط موجود، درک صحیح از ماهیت مبارزه سیاسی و نحوه پیش برد آن، بایستی بطوری تحسین برانگیز و جسورانه مبارزه را بر علیه عقب مانده گی و ارتجاع حاکم، با اعتماد بنفس و مسئولیت پذیری و با مشارکت در

تصمیم گیریها قدرتمندان پیش برند. باید دریافت که در این مبارزه مرد و زن نیازمند یکدیگر و مکمل هم هستند، سرنوشت مشترکی دارند و محکوم اند با تکیه بر یکدیگر این ستم مشترک و این درد مشترک را فریاد کنند. آنان در همبستگی و دوشادوش هم، با متحول ساختن روابط دو جنس و پیروزی در این مبارزه، تغییر و تحولی بنیادین در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن مان ایجاد خواهند نمود. بیشک زنان با نقش و جایگاه ویژه شان بعنوان جزء لاینفک مبارزات مردم کشورمان در این مبارزه شرکت خواهند کرد.

گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

قانونی شدن ازدواج مجدد برای مردان و لایحه حمایت از خانواده !!

ازدواج مجدد برای مردان و ازدواج موقت، ناقض و نافی حقوق زنان بعنوان نیمی از انسانهاست. در روزهای بعد از حوادث عاشورا که به لحاظ سیاسی و اجتماعی شرایط خاصی به وجود آمده بود، ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده!! قانونی شدن ازدواج مجدد برای مردان در کمیسیون قضائی مجلس با ۱۰ شرط جدید، در حالی به تصویب رسید که هیچ صدای اعتراضی و انتقادی از سوی سازمانها و مدافعین حقوق اجتماعی و حقوق زنان و ... شنیده نشد.

به موجب این ماده قانونی، تنها با اثبات یک مورد از شروط ده گانه در دادگاه توسط مرد در مورد همسرش، از جمله بدرفتاری زن، عدم تمکین، ناسازگاری، محکومیت زن، غیبت از خانه و ... مرد می تواند و اجازه می یابد بدون رضایت و اطلاع همسر، همسر دوم اختیار کند. با استناد به تنها یکی از این ۱۰ شرط دادگاه های شرع خواهند توانست ازدواج مجدد برای مردان را مسجل سازند. حال اگر زنی بتواند در دادگاه این شروط را در مورد مرد خود اثبات نماید تکلیف چه خواهد بود!!

ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده!! ازدواج مجدد مردان بدون اجازه از همسر، نه تنها به بهبود وضعیت خانواده کمکی نمی کند بلکه بر هم زننده ی اساس و بنیان خانواده بوده و موجب نادیده گرفته شدن و تضعیف حقوق زنان است. با تصویب این ماده در مجلس نقض حقوق زن قانونی خواهد شد. در چنین شرایطی با توجه به وضعیت زنان کشورمان و عدم استقلال اقتصادی آنان، زندگی بخش عظیمی از زنان که از حمایت های اجتماعی و دولتی محرومند، مورد مخاطره قرار خواهد گرفت.

رفع ستم جنسی، در گرو مبارزه علیه سرمایه داری و ارتجاع حاکم

تأملاتی در مورد

فرمان ولی فقیه دایر بر لغو اصل ۴۴ قانون اساسی*

بشر مثل هر موجود زنده دیگر از آغاز پیدایش بر روی کره خاک، برای تأمین نیازمندیهای حیات خود به کار و فعالیت پرداخت. بشر بعنوان موجود ذیشعور، همیشه در آرزوی زندگی بهتر و کاهش زحمت و فشار برای تأمین مایحتاج زندگی و زندگی در رفاه و راحتی بوده و هست. استفاده از ابزار مهمترین دستاورد تکامل شعور بشری است که موجب افزایش بهره‌وری کار و کاهش استفاده از نیروی جسمانی گردید. یعنی، بکارگیری ابزار، اصلی‌ترین مشخصه تکامل عقلی انسان بود. شعور انسانها با توجه به تفاوت‌های متعدد ژنتیکی، شرایط و موقعیت طبیعی، جغرافیایی و آب و هوایی و غیره، با رشد و تکامل ناهمگون همراه بوده است. روحیه و روانشناسی راحت طلبی، گریز از کار و زحمت و میل به تأمین شرایط زندگی در رفاه از قبل کار دیگران، یکی از منفی‌ترین و ناهنجارترین مشخصه‌های رشد نا متعارف عقلی انسان است. صاحبان چنین روحیه و روانشناسی که گروه کوچکی از جوامع انسانی را تشکیل می‌داند، از طرق خلاف اخلاق، معنویات و خصوصیات انسانی، امکاناتی بدست آوردند به بتدریج به یک گروه و یا عبارات درست تر به یک طبقه اجتماعی انگلی تبدیل شدند. این طبقه جدید، برای توضیح و تفسیر وضعیت و موقعیت خود، مکاتب بینشی، فلسفی، دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و غیره خاص خویش را بوجود آوردند و در روند تاریخ، نظامهای غیرانسانی مبتنی بر استثمار، غصب و تصرف حاصل کار و زحمت دیگران و ثروت‌های عمومی، نظامهای اجتماعی برده داری، فئودالی و سرمایه داری را تشکیل دادند.

حمله گروه‌های انسانی و قبایل و طوایف مختلف به محل اسکان همدیگر، تصرف سرزمینهای دیگران، به انقیاد و تحت سلطه در آوردن گروه‌های انسانی دیگر، غصب و استفاده از حاصل زحمت و دسترنج غیر بمنظور به دست آوردن ثروت‌های بیشتر و تأمین مایحتاج زندگی بهتر، که در تمام طول تاریخ معمول بوده و با شدت و خشونت تمام همچنان ادامه دارد، نتیجه نا متعارف شعور و عقلا نیت انسان است.

پیدایش سیستم استثمار که با حضور پرتغالیها در جزایر خلیج فارس و دریای عمان در سال ۱۵۰۳ آغاز شد، یکی از مظاهر اصلی تکامل ناهمگون و معکوس عقل و شعور بشری، بمثابة خشن‌ترین و خونین‌ترین شکل دست اندازی به سرزمینهای دیگران و غصب عدوانی و تصرف ثروت‌های آنان بود که بتدریج ابعاد جهانی یافت، با کشف باروت و ساخت اسلحه، به مرحله بغایت خطرناک تری رسید و جنگ‌های منطقه‌ای متعدد و دو جنگ پرکشتر جهانی را بر بشریت تحمیل کرد.

مبارزات و مقاومت شدیداً آزادخواهانه مردم مستعمرات در مقابل نیروهای استثمار و هزینه بسیار بالای جنگ‌های استعماری در مناطق دور دست، استثمارگران را به تغییر برخی شیوه‌های سلطه‌گری و غارتگری و بکارگیری رویکردهای دیگر مجبور ساخت. این شیوه‌ها، با گسترش تسلط نظام سرمایه داری در جهان و رشد آن تا مرحله امپریالیستی، بالاترین مرحله این نظام، اشکال فوق‌العاده پیچیده و بفرنجی بخود گرفت که بنام سیستم استثمار نو شناخته می‌شود. سیستم جهانی امپریالیسم بمنظور تداوم سیاست‌های استعماری دول استعمارگر در جهان، بموازات تکیه بر نیروها و امکانات جنگی خود، به تشکیل دولتهای دست نشانده روی آورد، موسسات و نهادهای استعماری اقتصادی، مالی، تبلیغاتی و غیره را سازمان داد و آنها را به مثابه اهرم‌های پر قدرت استمرار سیاست‌های استثمارگرانه بکار گرفت.

بدین منوال، استعمارنو با تشکیل دولتهای دست نشانده در کشورهای مختلف، استقلال ملی آنها را به شکل تازه تری مورد تجاوز قرار داد و با سازمان دادن اهرم‌های پرقدرتی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، با قدرت تمام موانع متعددی در راه رشد و توسعه علمی، صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی مستقل آنها ایجاد کرد و نهایتاً، کشورهای جهان را به دو گروه، گروه کوچک کشورهای موسوم به "شمال"، کشورهای غارتگر، کشورهای کارفرما، تولیدکننده و صادرکننده و گروه بزرگ کشورهای "جنوب"، کشورهای کارگر، استثمار شونده، مصرف‌کننده و تأمین‌کننده مواد خام کارخانه‌های کشورهای متروپل تقسیم کرد.

کشور ما ایران، یکی از معدود کشورهای جهان است که هیچوقت تحت حاکمیت استثمار کهن در نیامد اما، بشدت قربانی استعمارنو گردید. شرکت نفتی انگلیس، اکتشاف و تولید نفت و فروش فراوردهای نفتی را به انحصار خود در آورد. بطوریکه، تنها ۱۶ درصد از سود آن را به ایران می‌پرداخت و در دوره رضا شاه یک قرارداد ۶۰ ساله دیگری را به ایران تحمیل کرد. لغو این قرارداد استعماری و خلع ید از شرکت انگلیسی به رهبری دکتر محمد مصدق، موجب کودتای ۱۳۳۲ و برکناری و محاکمه وی گردید. بعد از آن، سیاست‌های استعمارنو تا سال ۱۳۵۷ در کشور ما در تمام ابعاد و اشکال خود ادامه یافت. از همین رو، یکی از اهداف اصلی انقلاب ملی - دموکراتیک بهمن ماه ۱۳۵۷، اعاده استقلال ملی و اقتصادی کشور و تعیین راه رشد مستقل خود بود و این هدف، بویژه در اصل ۴۴ قانون اساسی، یکی از معدود اصول مترقی

قانون اساسی جدید کشور، بطور صریح بیان و تثبیت گردید. اما، سلطه حاکمیت ارتجاعی - دینی روحانیت شیعه، مانع تحقق این هدف گردید و رژیم جدید که منافع آن در پیوند تنگاتنگ با سرمایه جهانی قرار دارد، از اجرای آن سر باز زد.

خصوصی سازی گسترده صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن، تأمین نیرو، شبکه های راه آهن، کشتی رانی، سازمان هواپیمائی، موسسات بیمه، بانکها، مخابرات و غیره که بصورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است، حذف سوبسیدها و تطبیق سیاست مالی ویرانگر پرداخت یارانه نقدی، افزایش صادرات مواد خام و حاملهای انرژی، تکیه بر واردات محصولات تولیدی، خواروبار و مواد مصرفی، توسعه و تطبیق موازین قمارخانه ای رانت خواری، بورس بازی و بانکداری در اقتصاد کشورها، محدود کردن نقش دولت در مالکیت و مدیریت و تبدیل آن به سیاستگذار و هدایت کننده، مهمترین مشخصه های برنامه ای استعمارنو هستند که از طریق بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، یعنی، سه نهاد مالی - استعماری امپریالیسم در کشورهای مختلف به اجرا گذاشته می شود. در ایران ما نیز دولتهای بعد از انقلاب، برای اجرای برنامه ها، با هم دیگر به رقابت برخاستند. نتیجه این همه، ورشکستگی تولیدات و صنایع داخلی، وابستگی بیشتر کشور به واردات بود. روند رو به نابودی نیشکر هفت تپه، شالیکاری، چاپکاری، باغداری نساجی و بسیار از بخشهای دیگر صنایع و تولیدات داخلی، نتیجه همین سیاستهای ایران بر باد ده رژیم است، که تا کنون ضربات سختی بر اقتصاد کشور وارد کرده و موجبات افزایش رو به تزايد تورم، رکود اقتصادی، گرانی، فقر، بیکاری و بسیاری مفاسد اجتماعی دیگر گردیده است.

دولت سازندگی آقای رفسنجانی گامهای بزرگی برای خصوصی سازی و یا عبارت صریح تر، مال خودسازی ثروت‌های عمومی برداشت. ولی به دلایل عینی و ذهنی، در اجرای آن چندان موفق نشد. دولت اصلاحات آقای خاتمی لیست ۶۰۰ کارخانه و موسسه را برای خصوصی سازی تهیه کرد اما، نتوانست به برنامه خود جامه عمل بپوشاند. مهمترین مانع این امر، رقابت و اختلاف بر سر تقسیم سهم از اموال غارتی در میان نسل جدید گروه‌های مختلف بورژوازی، یعنی، بوروکراتها و آقا زاده ها بود که در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی از قبل موقعیت و مقام خود بر بنگاه‌های مالی، صنعتی، بازرگانی، تجاری، معادن، مخابرات، واردات مصنوعات خارجی و بخش صادرات، ساختمانی، کشاورزی و شرکتهای وابسته به صنایع نفت و گاز و غیره چنگ انداخته اند. درست در چنین شرایطی بود که، سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم سرمایه داری اسلامی ایران، بدنبال تفوق اصولگرایان در قدرت سیاسی کشور در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، با حکم حکومتی دهم تیر ماه سال ۱۳۸۵ خود، بر اجرای وارونه اصل ۴۴ قانون اساسی فرمان داد. صدور این فرمان علاوه بر جانبداری از تسلط اصولگرایان، اساساً سپاه پاسداران بر بخشهای مختلف اقتصادی و صنعتی کشور، در واقعیت امر، تیر خلاصی بود که بر مغز بقایای اهداف ملی انقلاب بهمن سال ۵۷ شلیک شد.

بدین ترتیب، در این امر کمترین جای تردیدی باقی نمی ماند که صدور این فرمان آقای سید علی خامنه ای بویژه در شرایطی که صدای شکستن استخوانهای اقتصاد لیبرالی سرمایه داری جهانی به گوش می رسد، نشانه آن است که عابدان ریائی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و در رأس آنها، ولی فقیه، بمثابة بخشی از همان گروه و یا طبقه اجتماعی جهانی با رشد عقلی معکوس و خلاف اخلاق، معنویات و ویژگیهای انسانی و دارای روحیه و روانشناسی غارتگرانه طبقاتی، همچنین، برغم ادعاهای "ضد استکباری" و "ضد امپریالیستی" خود، هیچگونه میل و رغبتی به استقلال اقتصادی و توسعه مستقل کشور ما ندارند و در این نبرد طبقاتی، با اجرای برنامه های نواستعماری امپریالیسم جهانی، فقط بدنبال تأمین منافع نامشروع خود از طریق غصب اموال و تصرف دارائی های عمومی مردم ایران هستند.

امروزه در شرایطی که با آشکارتر شدن شکست جهانی سیاست‌های اقتصاد لیبرالی سرمایه داری و پوچی تئوری پایان تاریخ، کشورهای پیشرفته سرمایه داری و همه جهان دچار تنزل و رکود اقتصادی عمیق شده و در گرداب بحران غیرقابل خروجی دست و پا می زنند و در شرایطی که دولتهای رشد یافته سرمایه داری، علیرغم پرداخت هزاران میلیارد دلار از جیب مالیات دهندگان، نتوانستند از ورشکستگی دهها هزار شرکت تولیدی، صنعتی، بانکها و غیره جلوگیری نموده، چاره ای در مقابل افزوده شدن بیش از ۵۰ میلیون کارگر به اردوی بیکاران، بی خانمانی صدها میلیون زحمتکش و گرسنگی بیش از یک میلیارد انسان بیاندیشند و بالاچاره، برخی از موسسات مالی و صنعتی را تحت اختیار دولت در آورند، اصرار رژیم ایران بر ادامه گسترده مال خودسازیهها طبق فرمان دهم تیر ماه سال ۱۳۸۵ سید علی خامنه ای دایر بر اجرای معکوس اصل ۴۴ قانون اساسی را، نمی توان چیزی غیر از تشدید دشمنی آشکار رژیم اسلامی با رشد مستقل اقتصاد کشور و در نتیجه نهائی، بردن ایران به زیر یوغ استعمارنو تعریف کرد!

* در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است: "نظام اقتصاد جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است."

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. و ...

نقش پیشوا قاضی محمد و حزب دمکرات کردستان ایران در تشکیل جمهوری خود مختار کردستان



پیشوا قاضی محمد

دوم ماه بهمن (دوی ری به ندان) سال جاری، ۶۳ سال از تشکیل جمهوری خودمختار کردستان برهبری قاضی محمد گذشت. حکومتی که تجلی آرزوها و آمال دیرین خلق کرد بود، با عزم و اراده خلق کرد و فرزندان دلآورش، در یکی از دشوارترین دوره های حیات بشری بنیاد نهاده شد. اما، این دولت مردمی و ملی، ۱۱ ماه پس از تشکیل خود، بدست رژیم دست نشانده و فعال مایشاء پهلوی و با پشتیبانی و حمایتها، دسیسه ها و توطئه های خائنه و ضد بشری، دخالت ها و کمکهای ایالات متحده آمریکا و دولت پاشاهی بریتانیا، ساقط گردید و رهبران آن — قاضی محمد، سیف قاضی، پسر عمو و صدر قاضی برادر قاضی محمد، دستگیر و پس از یک محاکمه نمایشی به قتل رسیدند. در سالروز تشکیل جمهوری خودمختار کردستان، یاد رهبران شهید و همه شهدای خلق کرد را گرامی داشته و همآوا با بشریت آزادیخواه و عدالت جوی کردستان و جهان، نفرت و انزجار ابدی خود را نثار قاتلان رهبران خلق کرد، مهاجمان به کردستان و پایمال کنندگان حقوق مسلم ملت ستمدیده کرد می کنیم.

تشکیل جمهوری کردستان، بی شک، مدیون شخصیت استثنائی قاضی محمد بود. او که بود؟ پیشوا قاضی محمد، انسانی روشنفکر و نیک اندیش، روحانی سرخ و صادق از زمره نعمی ها، نسیمی ها و خیابانی ها، شخصیت استثنائی و جاودانه خلق کرد، در سال ۱۲۷۲ شمسی در یک خانواده روحانی روشنفکر در ساوبلاغ (مهاباد کنونی) بدنیا آمد. او، دوران جوانی خود را به ترویج اندیشه های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خلق کرد صرف نمود و به همین سبب هم، در تاریخ دهم فروردین ماه سال ۱۳۲۶ شمسی، بفرمان امپریالیسم و با حکم جنایتکارانه دادگاه فرمایشی رژیم دست نشانده پهلوی، دادگاهی که در جریان آن، قاضی محمد و یارانش رژیم شاه و اربابان خونخوارش را به محاکمه کشیدند، به همراه برادر و پسر عمویش، در میدان چوار چرا (چهار چراغ) همان شهر زادگاه خود بدار آویخته شد. آزادیخواهی، هویت طلبی و سرافرازی خلق کرد، سنگین ترین جرایم قاضی محمد و یارانش بودند.

پیشوا قاضی محمد، عمر طبیعی خود را تا پایان نزیست، اما، در طول زندگی کوتاه خود چنان زخمه ای بر ساز حیات خلق کرد زد که، طنین صدای آن نه تنها هنوز هم پس از قریب شش و نیم دهه شنیده می شود، بلکه، تا ابد هم آوای حیات خلق کرد را همراهی خواهد کرد. چرا که، پیشوای خلق کرد، تمام خصوصیات و ویژگی های ارزشمند خلق خویش — آزادیخواهی و عدالت جویی، بی باکی و دلآوری، صداقت و پاک، ایمان و اعتقاد، فداکاری و از خودگذشتگی، میهن پرستی و انساندوستی را در خود جمع داشت. بکلام دیگر، قاضی محمد،

چکیده و عصاره ارزشهای انسانی خلق کرد، فرزند صادق سرزمین کردستان بود و همین ویژگیها، راز جاودانگی اوست.

همین ویژگیها و خصوصیات شخصی قاضی محمد بود که او را به عالم سیاست و مبارزه در جبهه آزادیخواهی و عدالت طلبی سوق داد. او پس از پیوستن به "جمعیت احیای کرد" در سال ۱۳۲۳، آن را تشکیلاتی نا کافی در مبارزه برای تأمین حقوق انسانی و ملی خلق کرد تشخیص داد و سپس با همفکری و همیاری رهبران همان جمعیت و دیگر شخصیتهای سرشناس کرد و طی بیانیه ای با امضای ۱۰۵ تن از آنان، تأسیس حزب سیاسی نوین بر اساس اصول و پرنسیپهای مدرن، حزب دمکرات کردستان را اعلام و جمهوری خودمختار کردستان را تشکیل داد.

تأسیس جمهوری خودمختار کردستان زمانی بواقعیت پیوست که ملل تحت ستم و به انقیاد کشیده شده جهان از جمله خلق کرد، پس از پیروزی شکوهمند اتحاد شوروی بر فاشیسم سرمایه داری در جنگ دوم جهانی، دوره بیداری و خودشناسی آگاهانه ای را آغاز کرده بود و همین امر، علت اللل تشکیل این جمهوری بود. حزب دمکرات کردستان ایران برهبری قاضی محمد با تکیه بر اصول و موازین انسانی، وحدت و اتحاد ملی، در جامعه فئودالی-عشیرتی کردستان دولت جمهوری تشکیل داد.

از یک سو، شکست سنگین فاشیسم سرمایه داری در جنگ جهانی دوم که با هدف به زیر کشیدن اولین دولت کارگران و زحمتکشان در جهان آغاز شده بود و از طرف دیگر، تشکیل دولتهای خودمختار در آذربایجان و کردستان ایران و نگرانی از گسترش روحیه آزادیخواهی در دیگر مناطق ملی کشور و در میان دیگر ملتها و خلقهای تحت ستم جهان، امپریالیسم نو پای آمریکا و کهنه انگلیس را سراسیمه کرد و به هراس انداخت. آنها نمی توانستند نظاره گر آزادی خلقهای تحت ستم ایران و شکوفائی کشور ما باشند. بهمین سبب هم، با کمکهای همه جانبه به دولت تحت امر خویش در تهران، اولین دولت ملی کردستان را در کمال قساوت و شقاوت، به خاک و خون کشیدند، رهبران آن را به شهادت رساندند و بار دیگر کردستان و بطور کلی، همه میهن ما را بمیدان تاخت و تاز آمریکا و غرب تبدیل کردند.

تشکیل حزب دمکرات و شخصیت استثنائی خود قاضی محمد، نقش اصلی و اساسی را در تأسیس جمهوری خودمختار کردستان ایفاء کرد. ظهور تقریباً همزمان پدیده دولت جمهوری در کردستان با جمهوری خودمختار آذربایجان صرفنظر از مدت دوامیت آن دو دولت، همکاری و رابطه برادرانه کم نظیر بین آنها در شرایط سلطه سیاسی و معنوی ریشه دار "ظل الله" وابسته و پوسیده در ایران فئودالی، همان ارزش جاودانه و ماندگاری است که تا ابد بر سینه تاریخ خلقهای ایران، بویژه خلقهای کرد و ترک، خواهد درخشید. افکار و اندیشه های وحدت طلبانه قاضی محمد و حزب دمکرات کردستان ایران در ترویج خودشناسی ملی، دفاع از حقوق و آزادیهای انسانی خلق کرد، اتحاد و رابطه برادرانه با دیگر احزاب سیاسی و خلقها، از جمله با تشکیلات تحت رهبری زنده یاد مصطفی بارزانی، حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان، امروز هم می تواند نمونه و سرمشق مهمی برای مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن ما باشد.

با امیدواری به تشکیل مجدد جمهوری خودمختار در کردستان و برقراری حاکمیت فدرال و مردمی در ایران، سالروز تشکیل جمهوری خودمختار کردستان را به خلق دلاور کرد صمیمانه شادباش گفته، یاد و نام اولین رئیس جمهور شهید خلق کرد و همه شهدای این ملت ستمدیده را گرامی می داریم.

دوم اسفند روز جهانی زبان مادری را گرامی می داریم!

"زبان پدیده ای منحصر بفرد است که روند تکامل انسان در جامعه توسط آن به نسل های بعد منتقل می شود. اگر زبان از جامعه

انسانی گرفته شود، چرخه اجتماعی از حرکت می ایستد."

بنابه پیشنهاد کشور بنگلادش، در نوامبر سال ۱۹۹۹ به سازمان یونسکو، مینی بر نام گذاری روزی به نام روز جهانی زبان مادری، این پیشنهاد در سی و دومین نشست عمومی سازمان یونسکو به تصویب نمایندگان کشورهای عضو رسید. با تعیین این روز به عنوان روز جهانی مادری، طرحی توسط سازمان یونسکو تهیه و به کشورهای عضو ابلاغ شد که در آن برنامه های متنوعی برای مردم جهان تدارک دیده شده بود. از آن پس کشورهای جهان ۲۱ فوریه را به عنوان روز جهانی زبان مادر جشن می گیرند.

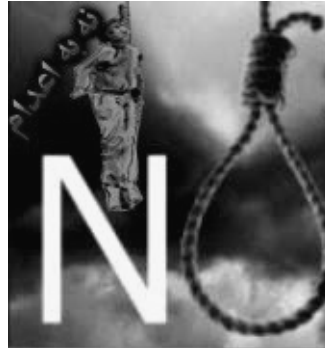
تعیین این روز به عنوان روز زبان مادری از طرف سازمان یونسکو حاکی از اهمیت آموزش و حفظ زبان مادری است. در اکثر کشورهای چند زبانه بخصوص در کشورهای پیشرفته و دمکراتیک، به آموزش زبان مادری اهمیت بسزائی داده می شود. در این کشورها استفاده از چند زبان بعنوان زبان رسمی و رایج کشور حمایت می شود.

بیش از صد سال است که مردم کشورمان خواهان رسمیت یافتن زبان های مادری غیر فارسی هستند. متأسفانه شوونیسم حاکم بر کشور در قبل و بعد از انقلاب، این بدیهی ترین حقوق انسانی خلق های کشور کثیرالمله ایران را نادیده است. ما تحصیل و نشر به زبان مادری را حق مسلم خلق های کشورمان می دانیم و معتقدیم بدون حل مسائل ملی برپائی ایرانی دمکراتیک ناممکن و بدون فراهم ساختن امکان تحصیل و آموزش به زبان مادری، زمینه های مادی رشد و توسعه کشور به هرز خواهد رفت.



مواضع ما

اعدام ها را محکوم می نمایم



اوج گیری مبارزات مردمی و جنبش اعتراضی در نه ماه گذشته رژیم جمهوری اسلامی را به تندترین واکنش ها واداشته، حاکمیت برای بقای خود مذبحخانه به هر اقدامی غیر انسانی دست می یازد. دستگیری های وسیع، شکنجه های قرون وسطانی، تجاوز به دستگیر شدگان، زیر گرفتن تظاهرات کنندگان، کشتارهای خیابانی، محاکمه و صدور احکام سنگین زندان و. اعدام برای بازداشت شدگان، از آنجمله اند. اعدام آرش رحمانی پور و محمدرضا علی زمانی در آستانه ۲۲ بهمن برای تولید ترس و وحشت در جامعه برای پرهیز از تظاهرات گسترده مخالفین در سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ اقدام جنایتکارانه ای بود که درخیمان رژیم بدان دست زدند. اقدامی که عزم مردم را برای ادامه مبارزه راسخ تر نمود. چرا که هر قدمی که عقب نشینی می گردد، جنایتکاران جمهوری اسلامی برای انجام جنایتی ای بیشتر جری تر می شوند.

احتمالی گرسنگان و آسیب دیدگان هائیتی" یابی است. جالب"تر از همه آنکه جورج بوش به همراه کلینتون به ریاست جمع آوری کمک برای مصیبت دیدگان هائیتی وباز سازی آن منصوب شده اند. سپردن کمک رسانی به مردم هائیتی و بازسازی آن کشور به جورج بوش و کلینتون، سپردن بره بدست گرگ را می ماند. زلزله هائیتی نعمتی آسمانی برای شرکت های مقاطعه کار ساختمانی آمریکاست، که بوش و کلینتون مسئولیت بنگاههای معاملاتی اش را برعهده گرفته اند. دهشت"بارتر از همه سرانیز شدن تاجران ارگانهای داخلی انسان، دلان بازارهای سکس و بردگان جنسی، و مافیای نوپای گدائی از کشورهای اروپایی، آمریکا و اسرائیل برای قاچاق کودکان و دختران هائیتی با ادعاهای انساندوستانه"ای چون سرپرستی و فرزندخواندگی آنها می باشد. بطوریکه "در حال حاضر، کودکان خردسال هائیتی به قیمت ۵۰ دلار خرید و فروش می شوند."

دستگیری عبدالملک ریگی بخشی از یک معامله کلان

هفته گذشته عبدالملک ریگی توسط نیروهای امنیتی ایران دستگیر شد. شواهد حاکی از همکاری سازمان های اطلاعاتی ایران و غرب بخصوص آمریکا برای دستگیری وی بوده است. سه دهه است که بلوچستان مانند دیگر مناطق ملی و قومی شاهد ستم ملی و سرکوب های مضاعفی است. هر حرکت آزادیخواهانه و روشنگرانه در این منطقه توسط حکومت بشدت سرکوب می شود. نیازی نیست که حرکت های مزبور حتماً نظامی و مسلحانه باشد. مبارزه مدنی نیز به همان شدت سرکوب می شود. اعدام یعقوب مهرنهاد که تنها فعالیت مدنی و فرهنگی داشت، نمونه ای گویا بر این ادعاست. با دستگیری ریگی - که پیش بینی می شود برپائی شوهای تلویزیونی را هم بدنبال داشته باشد- و احتمالاً اعدام وی چرخه خشونت بار دیگر این منطقه محروم و فقیر را دربر خواهد گرفت، امری که نیاز مبرم حکومت نظامیان برای بقاء بشمار می آید.

معامله غرب با جمهوری اسلامی برای دستگیری ریگی که با باز گذاشتن دست جمهوری اسلامی و متحدین عراقی اش در سرکوب مجاهدین در شهرک اشرف آغاز شده بود، احتمالاً با معاملات بزرگتری در آینده تکمیل خواهد شد. این معاملات می تواند سکوت در برابر سرکوب جنبش اعتراضی مردم کشورمان باشد و یا محدود کردن اپوزیسیون و استرداد مجاهدین و احزاب کرد. تاوان منطقی سیاسیون کوتاه نظری که باور کرده اند، کشورهای امپریالیستی (بیشترفته) مدافع حقوق مردم ایران و پشتیبان دموکراسی و حقوق بشر خواهند بود، بهتر از این نخواهد بود.

چهارشنبه سوری

هر مراسم ملی و توده ای به کابوسی هولناک برای رژیم تبدیل شده است. امسال ۲۵ اسفند مصادف با جشن چهارشنبه سوری است. از هم اینک می توان در کوچه و خیابان تالاولو فشفشه ها و صدای ترقه ها را دید و شنید. از مدت ها پیش مردم برای برگزاری مراسم چهارشنبه سوری و تبدیل آن به مراسمی ملی - اعتراضی لحظه شماری می کنند. مراسمی که نه در محدوده مرکزی تهران بلکه در هر شهر و دهی و در هر کوچه و خیابانی برگزار خواهد شد و رژیم درمانده از مقابله با آن. آری اینبار مراسم ۲۲ بهمن تهران نیست که حکمیت ولایت فقها بخواهد با هزینه ای هنگفت تمام نیروهای خود را از سرتاسر ایران برای نمایش قدرت به تهران روانه سازد و یا نیروهای سرکوبش را برای خفه کردن صدای معترضین تهرانی به پایتخت گسیل دارد. رئیس پلیس رژیم مذبحخانه تلاش می کند با تهدید خانواده ها از بیرون آمدن جوانان و برگزاری مراسم جشن و سرور در شب چهارشنبه سوری و فراروئی آن به همایش اعتراضی معانعت بعمل آورد. در شامگاه ۲۵ اسفند هر نقطه ایران به کانونی برای برگزاری مراسم چهارشنبه سوری و همایشی برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تفکرات ضد ملی و ارتجاعی آن تبدیل خواهد شد. به کانونی برای مبارزه در راه آزادی و علیه استبداد. مبارک باد جشن آتش نهاد، مبارک باد جشن آزادی!



زلزله در هائیتی و لشکرکشی آمریکا

۲۳ دی ماه امسال زلزله ۷/۳ ریشتری کشور کوچک و فقیر هائیتی را در هم کوبید. در پی وقوع زلزله پورپرس پایتخت این کشور و شهرها و روستاهای اطراف آن به تلی از خاک، آهن و بتن تبدیل گردید. تأسف بارتر آنکه حدوداً ۲۳۰ هزار کشته و بیش از ۳ میلیون آسیب دیده، قربانی این حادثه طبیعی بودند. هرچند پس از وقوع زلزله و لشکرکشی ارتش آمریکا به کشور حادثه دیده - گفته می شود واحدهای ارتش آمریکا که به کشور هائیتی گسیل شدند، از چند روز قبل در حالت آماده باش بوده اند - شایعاتی مبنی بر آزمایش تسلیحات زلزله ساز توسط ارتش آمریکا نیز در ابعادی محدود پخش گردید. آنچه که بدون توجه به صحت و سقم این ادعا مطرح است، ابعاد فاجعه در حادثه "ای مشابه در کشورهای مختلف است.

اگر در زلزله "های مشابه، در کشورهایی چون ژاپن و آذربایجان (شوروی) شمار کشته شدگان به کمتر از تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسد، متأسفانه در کشورهایی چون ایران و هائیتی حوادثی با شدت کمتر از آن هزاران قربانی می گیرد. زلزله بم با شدت ۳/۶ ریشتر هزاران تلفات داشت. اگر کشته شدگان توفان هائیتی هزاران نفر بود، در کوبا کشور همسایه هائیتی تلفات ناشی از همان توفان تنها چهار نفر گزارش می گردد.

سیاست "های تحمیلی نئولیبرالی توسط آمریکا و نهادهای مالی سازمان تجارت جهانی، نه تنها موجب جنگل زدایی، فرسودگی خاک و رانش زمین که خود مقدمه "ای برای یک فاجعه بزرگ انسانی در پی هر حادثه طبیعی است، بلکه با خانه خراب کردن اکثر مردم هائیتی آنان را مجبور به مهاجرت و حاشیه نشینی شهرهای بزرگ و بخصوص پورتو پرنس نموده، خانه های که در ساخت آنها حداقل استانداردهای مسکن رعایت نگردیده است. بنا به گفته شهردار پورتو پرنس "۶۰ درصد ساختمان های این شهر چنان بی حساب و کتاب ساخته شده اند که حتی در شرایط عادی نیز از حداقل ایمنی برخوردار نیستند."

درحالی که کمک های جهانی برای مردم مصیبت زده هائیتی روانه این کشور می گردد، آمریکا که بیش از هر زمین لرزه و سیل و توفانی در دوپست سال گذشته برای مردم هائیتی مصیبت درست کرده، اکنون به عنوان ناجی این مردم وارد میدان شده و می خواهد کمک رسانی جهانی به زلزله زدگان هائیتی را رهبری کند. بدین منظور آمریکا در نخستین گام با گسیل ۳۵۰۰ سرباز، ۲۵۰۰ تنگ "دار دریایی و تنها ۳۰۰۰ امدادگر پزشکی و وعده ارائه فقط ۱۰۰ میلیون دلار کمک مالی نشان داد که اولویت "های آمریکا نه نجات مردم آسیب دیده بلکه مقابله با شورش

از میان رویدادهای ایران و جهان

اعدام دو تن از محکومان حوادث پس از انتخابات

اداستانی تهران صبح پنجشنبه هشت بهمن ماه از اعدام دو تن از محکومان حوادث پس از انتخابات خبر داد و اعلام کرد که در مجموع ۱۱ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات ماه‌های اخیر در ایران به اعدام محکوم شده‌اند.

آرش رحمانی پور و محمدرضا علی‌زمانی دو نفر از محاکمه‌شدگان در دادگاه گروهی بازداشت‌شدگان پس از انتخابات موسوم به دادگاه "کودتای مخملی" هستند که بنا بر اعلام دادستانی تهران اعدام شده‌اند.

صدور احکام محکومیت ۳۵ نفر از معترضین

دادسرای عمومی و انقلاب تهران اعلام کرد: حکم محکومیت ۳۵ نفر از معترضین پس از قطعی‌ت در محاکم تجدیدنظر، جهت اجرا به واحد اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب تهران ارسال شد. محکومان یاد شده حسب احکام صادره توسط دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران به حبس تعزیری و جزای نقدی محکوم شده‌اند و احکام صادره در مورد اکثر آنان نیز در حال اجرا است. اجتماع و تبانی علیه امنیت، تبلیغ علیه نظام، حمله به مأمورین انتظامی و تخریب و آتش سوزی از جمله جرایم ارتكایی یاد شده است.

دادسرای عمومی و انقلاب تهران همچنین اعلام کرد: حکم محکومیت ۹ نفر دیگر از معترضین روز عاشورا توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران صادر شده است. در احکام صادره، یک نفر از محکومین به اعدام و هشت نفر دیگر به تحمل حبس تعزیری محکوم شده‌اند.

در همین حال ابراهیم ریسی معاون اول قوه قضاییه با بیان اینکه احکام صادره از سوی دادگاه بدوی مربوط به ۹ نفر از معترضان حوادث اخیر که به اعدام محکوم شده‌اند، با اعتراض محکومین به حکم صادره، پرونده به دادگاه تجدید نظر ارسال گردیده است.

طرح شناسایی فرزندان و بازماندگان اعدام‌های دهه ۶۰

نهادهای امنیتی بر این باورند که یکی از عوامل اصلی استمرار حرکت‌های اعتراضی مردم، فعالیت بازماندگان و فرزندان افراد اعدام شده دهه شصت به ویژه اعدام‌های سال ۶۷ است. از این رو طرح گسترده‌ای به منظور شناسایی و زیر نظر گرفتن فرزندان و بازماندگان اعدام‌شدگان دهه شصت در دست دارند. هم اکنون برخی از این نهادهای اطلاعاتی لیستی کامل از وضعیت شغلی، اجتماعی و فعالیت‌های فرزندان اعدام‌شدگان دهه ۶۰ را آماده کرده و اقدام به شنود مکالمات و ردگیری ارتباطات اینترنتی این گروه از افراد جامعه کرده است.

هشدار برای چهارشنبه سوری

فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد رفتار کسانی که وی آن‌ها را عوامل بیگانه و جریان‌های منحرف خواند تحت کنترل قرار دارد.

سردار احمدی‌مقدم از خانواده‌ها خواست تا فرزندان خود را کنترل کنند و در کنار یکدیگر مراسم چهارشنبه آخر سال را برگزار کنند. وی اظهار داشت: اینجا اروپا نیست که در لحظه سال تحویل هزاران خودرو در آتش بسوزند و فرودگاه‌ها تعطیل شوند. اروپایی‌ها در حالی که خود عقب مانده هستند ما را عقب‌مانده می‌دانند.

احمدی‌مقدم گفت: غربی‌ها با استفاده از رسانه‌هایشان کوچکترین اتفاق را در کشور بزرگ نمایی می‌کنند اما چنین اقداماتی را در کشورهایشان مسئله عادی جلوه می‌دهند.

فراخوان برای آزادی و برابری جنسیتی در ایران

در پی فراخوان جمعی از زنان ایرانی به همه مدافعان حقوق زنان برای حمایت از آزادی و برابری جنسیتی در ایران بیش از ۴۰ شبکه بین‌المللی زنان با زنان ایرانی اعلام همبستگی کرده‌اند. آنها در فراخوان خود در حمایت از زنان ایرانی آورده‌اند: ما برای پایان دادن به خشونت و سرکوب در ایران، آزادی فوری بازداشت‌شدگان از همه مدافعان حقوق زنان، سازمان‌های دفاع از حقوق زن و فمینیست‌های جهان دعوت می‌کنیم در همبستگی با مبارزات حق طلبانه زنان در سراسر دنیا در حمایت از جنبش زنان و جنبش حقوق مدنی در ایران وارد عمل شوند و در ماه مارس ۲۰۱۰ در سراسر جهان اقدامات حمایتی و اعتراضی را تحت شعار "آزادی و برابری جنسیتی در ایران" سازمان دهند.

خواسته‌های کارگران ایران از اجلاس ژنو

سه نهاد کارگری مهم سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد کارگران ایران در نامه‌ی مشترکی خطاب به شورای

حقوق بشر سازمان ملل متحد که در روزهای اخیر در ژنو تشکیل گردید، خواهان رسیدگی این شورا به وضعیت کارگران ایران و دفاع از حق تشکل‌های کارگری شدند. نمایندگان کارگران در نامه‌ی خود از جمله خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه فعالین کارگری و جنبشهای اجتماعی، لغو اتهامات کلیه دستگیرشدگان، آزادی بی‌قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری، آزادی بی‌قید و شرط اعتصاب، تجمع و آزادی بیان، برابری کامل حقوق زنان و مردان و محو کار کودک و تامین امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی برای همه کودکان شده بودند.

حداقل دستمزد کارگران در سال آینده

رئیس کمیته مزد استان تهران گفت: پس از نشست‌های مکرر کانون‌های استانی، میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده پنج میلیون و ۴۶۵ هزار ریال (۵۴۶ هزار و ۵۰۰ تومان) محاسبه شد.

علی رضا ثقفی آزاد شد

عضو کانون نویسندگان ایران پس از تحمل ۱۲ روز انفرادی از زندان اوین آزاد شد. علیرضا ثقفی عضو کانون نویسندگان ایران و از فعالین کارگری پس از تحمل ۱۲ روز انفرادی در بند ۲۴۰ زندان اوین، روز شنبه ۲۴ بهمن بدون اطلاع از علت دستگیری اش و بدون گذاشتن وثیقه آزاد شد. همچنین ایشان در تاریخ ۲۱ بهمن به دادگاه برده شده بود و بدون داشتن هیچگونه حق قانونی، حکم سه سال زندان به ایشان ابلاغ شد، که یکی از دلایل این حکم عضویت در "نهاد غیر قانونی کانون نویسندگان ایران" است.

وقوع زلزله در شبلی

در زلزله هشتم اسفند شبلی که یکی از قوی‌ترین زلزله‌هایی است که تاکنون گزارش شده، بیش از ۳۰۰ نفر تلفات داشته و زندگی نزدیک به دو میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داده‌است. همچنین نزدیک به هشتاد هزار خانه در این زلزله ویران شده و ساختمان‌های بزرگ و پل‌ها فرو ریخته و جاده‌ها خراب شده‌اند. بسیاری از شبکه‌های راه‌های شبلی و بزرگراه‌های جدید این کشور بر اثر زلزله آسیب جدی دیده‌اند.



مارش خیابانی زحمتکشان و مزد بگیران یونان

بنابه دعوت ۳۰۰ سندیکا و اتحادیه کارگری یونان، در ۶۶ شهر این کشور، روز دهم فوریه، دهها هزار نفر به اعتصاب و راه پیمایی دست زدند. اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری این کشور از همه کارگران و کارکنان بخش خدمات دولتی و خصوصی خواسته بودند تا در یک صف آرایی پر قدرت، دولت را وادار به توجه به زندگی فلاکت بار خود کند. در این روز، هزاران گارگر و دانشجو در ساعات اولیه صبح، به مراکز کارخانه‌ها و موسسات و حتی بنادر رفتند تا کارکنان این مراکز را برای شرکت در تظاهرات و همبستگی همگانی تشویق کنند.

شمشیر جنرال موتورز بر سر کارگران آنتورپ

جنرال موتورز با آغاز برنامه بازسازی خود کارزار وحشیانه تعطیلی کارخانه‌ها و حذف شغل‌ها را در اروپا آغاز کرده است. اولین تلفات در آنتورپ بلژیک بود، در کارخانه وکسپال/اوپل ۲۶۰۰ نفر کار می‌کردند. این کارخانه که مدل‌های وکترا و آسترا تولید می‌کرد در چند هفته آینده تعطیل و تولید این مدل‌ها به سایر کارخانه‌ها در سراسر اروپا سپرده می‌شود.

جنرال موتورز اعلام کرد در تلاش برای کاهش ۲۰ درصدی ظرفیتش به علت کاهش تقاضا پس از آغاز رکود اقتصادی، تنها در اروپا ۸۳۰۰ شغل را حذف می‌کند. آنتورپ با ۲۶۰۰ کارگرش اولین کارخانه‌ای بود که رفت و در ماه‌های آینده حملات بسیار دیگری در پی می‌آید.

یاد یاران



یاد باد

بهاران خجسته باد

به مناسبت سالروز شهادت خسرو گلبرگی و کرامت اله دانشیان

با فرا رسیدن ۲۹ بهمن، سی و شش سال از اعدام خسرو گلبرگی و کرامت اله دانشیان گذشت. در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ دو انسان شوریده و میهن دوست به جرم اقدام علیه امنیت کشور اعدام شدند تا صدای اعتراض رو به رشد مردم ایران در نطفه خفه گردد و "جزیره ثبات" امپریالیسم در خاورمیانه دستخوش "ناامنی و بی ثباتی" نگردد.

گلبرگی و دانشیان که پیشتر در بیدادگاه نظامی به محاکمه کشیده شده بودند صلاحیت دادگاه را نپذیرفتند و حاضر نگشتند به دفاع فردی از خود بپردازند. گلبرگی در این بیدادگاه که دور تا دور آن سربازان مسلح احاطه کرده بودند در سخنان خود از جمله چنین گفت: "به نام نامی مردم، من در دادگاهی که نه قانونی بودن و نه صلاحیت آنرا قبول دارم از خود دفاع نمیکنم. بعنوان یک مارکسیست خطابم با خلق و تاریخ است. هر چه شما بر من بیشتر بتازید من بیشتر بر خود می بالم چرا که هرچه از شما دورتر باشم به مردم نزدیکترم و هرچه کینه شما به من و عقایدم شدیدتر باشد لطف و حمایت توده از من قوی تر است. حتی اگر مرا به گور بسپارید - که خواهید سپرد - مردم از جسدم پرچم و سرود میسازند."

خسرو گلبرگی و کرامت اله دانشیان ستاره بودند و به خیل ستارگانی پیوستند که دست خونریز استبداد آنان را از آسمان خلقهای میهنمان ربود.

درگذشت دو تن از فعالین برجسته ی جنبش کارگری ایران

در اواسط بهمن ماه گذشته دو تن از فعالین قدیمی جنبش کارگری ایران چشم بر جهان فرو بستند. ما این ضایعه تأسف بار را به خانواده آنها و جامعه کارگری کشورمان و به دوستان و هم زمان آن عزیزان تسلیت می گوئیم. یادشان گرامی، راهشان پر رهرو باد!

رفیق یدالله خسروشاهی سحرگاه پنج شنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۸، در پی سکنه مغزی دیده از جهان فروبست. رفیق خسروشاهی یدالله یکی از نمایندگان فعال کارگران شرکت نفت و عضو شوراهای کارکنان صنایع نفت بود. او از مبارزین جنبش کارگری بود که سال های متمادی عمرش را در زندان های ستم شاهی و جمهوری اسلامی گذارد. رفیق در طی ده سال گذشته همکار نزدیک و بسیار فعال کارزار اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران بود و تا آخرین لحظات زندگی خود مشغول فعالیت کارگری و جلب همبستگی کارگری برای طبقه کارگر ایران بود.



رفیق خیراله درزی (آقا جان)، روز یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۸، در سن ۹۲ سالگی در تهران جهان را بدرود گفته و یاران و هم زمانش را تنها گذاشت. رفیق خیرالله در فضای نسبتاً باز سیاسی دهه بیست و تحت تاثیر فعالین سندیکایی و توده‌ای در همان سالهای اول دهه ۲۰، نخست وارد فعالیتهای سندیکایی شد و سپس به فعالیت سیاسی در حزب توده ایران روی آورد. او تمام اوقات فراغت خود را با شور و شوق در خدمت سازماندهی سندیکاهای کارگری و در شورای متحده مرکزی، کارگران ایران قرار داده بود. در اثر همین فعالیت ها بود که وی پس از مدتی به عضویت هیئت اجرایی شورای متحده مرکزی انتخاب شد و تا موقع مرگ، او آخرین بازمانده و یادگار هیئت اجرایی شورای متحده مرکزی کارگران ایران بود.



بهاران خجسته باد

شعری از کرامت اله دانشیان



دلپذیر شد گل از خاک بردمید
پرستو به بازگشت زد نغمه ی امید
به جوش آمد از خون درون رگ گیاه
بهار خجسته باز خرامان رسد ز راه

به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا
به مردان تیزخشم که پیکار میکنند
به آنان که با قلم تباهی ی درد را
به چشم جهانیان پدیدار می کنند
بهاران خجسته باد،
بهاران خجسته باد.

و این بند بندگی،
و این بار فقر و جهل
به سرتاسر جهان،
به هر صورتی که هست
نگون و گسسته باد.

به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا،
به مردان تیزخشم که پیکار می کنند
به آنان که با قلم تباهی ی درد رابه چشم
جهانیان پدیدار می کنند
بهاران خجسته باد،
بهاران خجسته باد.

شعری بی نام

برای خسرو گلبرگی



خسرو گلبرگی
بر سینه‌اتش نشست
زخم عمیق کاری دشمن
امای سرو ایستاده نیفتادی
این رسم توست که ایستاده بمیری.
در توترانه‌های خنجر و خون
در تو پرنندگان مهاجر
در تو سرود فتح
این گونه چشمهای تو روشن هرگز نبوده است.
با خون تو،
میدان "توپخانه" در خشم خلق بیدار می‌شود
مردم زآن سوی "توپخانه" بدین سوسرریز می کنند
نان و گرسنگی به تساوی تقسیم می‌شود
ای سرو ایستاده!
این مرگ توست که می‌سازد، دشمن دیوار می‌کشد.
این عابران خوب و ستم برنام تو را،
این عابران ژنده نمی‌دانندو این دریغ هست،
اماروزی که خلق بداندهر قطره خون تو محراب می‌شود
این خلق نام بزرگ تو را در هر سرود میهنی‌اش آواز می‌دهد
نام تو، پرچم ایران خزر به نام تو زنده ست!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد